کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۰۶۶، ۱۹ آذر ۱۳۹۷

دورهٔ هشتم، سال سی و پنج

همبستگی بین‌المللی با جنبش حق‌طلبانهٔ کارگران و مردم ایران

- بیانیهٔ "کنفدراسیون جهانی سندیکایی ایندستریال"؛
- بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از نقاط مختلف جهان در نامه‌ای به علی خامنه‌ای، خواهان توقف سرکوب کارگران و معلمان و آزادی فوری علی نجاتی و اسماعیل بخشی از نمایندگان

ادامه در صفحه ۲

فریاد حق طلبانهٔ زحمتکشان خاموش نمی‌شود! در ص ۳

فراخوان پایانی بیستمین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری در ص ۷

پیکار فزایندهٔ کارگران، دانشجویان، معلمان، و زنان و ضرورت هماهنگی بیش از پیش گردان های اجتماعی در نبرد با رژیم دیکتاتوری!

اعتصاب یکپارچه کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و کارخانهٔ پولاد اهواز اثرهایی چشمگیر در معادلات صحنه سیاسی کشور برجای گذاشته است. اعلام همبستگی جنبش دانشجویی، مبارزان جنبش زنان، معلمان مبارز و بازنشستگان با این نبرد دلیرانه کارگران نیشکر هفت تپه و پولاد اهواز که بیش از سی روز ادامه یافته است، با وجود همه فشارهای امنیتی، دستگیری ها و سرکوب خشن، نشان از تحولات عمیقی است که کم کم در درون جامعه ما در حال نضج گیری است.

کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و کارخانهٔ پولاد اهواز طی مبارزهٔ پرشور و متشکل خود، قدرت، آگاهی طبقاتی و ظرفیت ارتقاپذیری همبستگی بین طبقه کارگر و زحمتکشان را در شرایط بسیار دشوار کنونی به‌اثبات رساندند. طی چهار هفته، رژیم به‌منظور کنترل و مهار این اعتصاب‌ها به یک رشته اقدام دست‌یازید که توجه به آن‌ها و تحلیل آن‌ها درجهٔ اهمیت و میزان تأثیرگذاری حرکت دلیرانه کارگران را هرچه بیشتر در معرض دید و تشخیص قرار می‌دهد. همزمان با پرداخت بخشی از معوقات مزدی کارگران هفت‌تپه و پولاد اهواز، مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت کار، در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، درخصوص توقف خصوصی‌سازی و بازگشت این واحد به بخش دولتی همراه با نظارت و کنترل کارگری بر تولید [یعنی خواست‌های اصلی کارگران]، خاطرنشان ساخته بود: "شورای کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه ثبت نشده است، برای اینکه

ادامه در صفحه ۶

تلاش پیگیر زنان برای ساختن جهانی نارنجی

کارزار جهانی ۱۶ روزه برای رفع خشونت علیه زنان یا "نارنجی ساختن جهان" هر ساله از ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان آغاز و تا ۱۰ دسامبر سالروز انتشار بیانیهٔ جهانی حقوق بشر ادامه می یابد . این کارزار جهانی ۱۶ روزه که هر ساله میلیون ها نفر در آن شرکت دارند، بی شک یکی از دستاوردهای مهم جنبش جهانی زنان و دیگر نیروهای مترقی و مبارز جهان است . در طی این مدت نه تنها دولت ها بلکه نهادهای مدنی و سازمان های غیر دولتی سعی می کنند آمارهایی از میزان خشونت علیه زنان در کشورهای خود و نیز فهرست کارهایی که در سال قبل برای کم کردن میزان خشونت علیه زنان و حمایت

ادامه در صفحات ۷ و ۸

کتاب تحقیقی و کارشناسانهٔ «در آمدی بر حقوق کار در ایران و نقد قانون کار» منتشر شد!

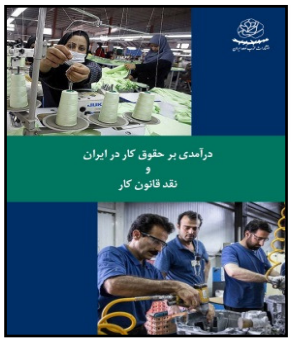

کتاب "در آمدی بر حقوق کار در ایران و نقد قانون کار" کار ارزشمندی است که در پی تحقیقات گستردهٔ میدانی در زمینه حقوق کار در ایران تهیه شده است. کتاب شامل ۹ گفتار است که به ترتیب عبارتند از:

گفتار نخست: آزادی‌ها، و حقوق بنیادین سندیکایی کارگری؛

گفتار دوم: مزد و تضمین مزد؛

ادامه در صفحه ۱۰

جنبش دانشجویی با سرکوب حذف شدنی نیست در ص ۴

«سیاست »به ارزیابی واقعیت نزدیک می‌شود، اما «پوپولیسم »نه! در ص ۱۲

ضمیمه کارگری «نامهٔ مردم»، شمارهٔ ۱۴ منتشر شد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه همبستگی بین‌المللی با جنبش حق‌طلبانهٔ ...

در شرایط بغرنج و دشوار هجوم نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی در جریان است- امید واقع‌بینانه به امکان سازمان‌دهی آکسیون‌های مؤثر و ضرور در دفاع از اقدام‌های کارگری در پیگیری مطالباتشان را زنده کرده است.

سازمان‌های سندیکایی بین‌المللی، حزب‌های کمونیست و کارگری، نشریات ترقی‌خواه و مدافع صلح و پیشرفت در صحنه بین‌المللی، همدوش با سندیکاهای کارگری ایران و مبارزان راه دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی و ترقی در ایران، در کارزاری هماهنگ، متنوع و مؤثر، سیاست‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه دیکتاتوری مذهبی حاکم را زیر علامت سؤال می‌برند. مراکز فعال سندیکایی در اکثر کشورهای جهان و به‌ویژه در اروپا حمایتشان از مبارزه دشوار کارگران و فعالان کارگری ایران را اعلام کرده‌اند. در مطلب زیر به چند نمونه جالب از ابتکارهای اخیر در حمایت حرکت کارگران پرداخته شده است:

همبستگی جهانی با مبارزهٔ کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه

فدراسیون سندیکای جهانی اینداستریال که بیش از ۵۰ میلیون کارگر صنعتی در صنایع اتومبیل‌سازی، فولاد، نفت و پتروشیمی و نساجی در کشورهای سراسر گیتی را نمایندگی می‌کند، در بیانیه‌یی خطاب به سندیکالیست‌های جهان، منتشرشده در روز ۱۵ آذرماه، سیاست‌های مقام‌های رسمی در ایران در قبال کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز را محکوم کرد. اینداستریال درست یک ماه قبل از آن، در بیانیه‌ای خطاب به وزیر کار جدید رژیم، محمد شریعتمداری، برخورد رژیم با خواست‌های مشروع و به‌حق کارگران کشور را محکوم کرده بود. در آن بیانیه، اینداستریال- به‌نقل از فعالان سندیکایی ایران- سؤال کرده بود: "آیا با حکم قضایی می‌توان شکم گرسنه کارگران را سیر کرد؟ آیا این پیام مقام‌های مسئول به زحمتکشان کشور است؟ آیا آقای شریعتمداری و وزارت کار قصد دارند اتحادیه‌های کارگری بیشتری را سرکوب کنند و کارگران را به گرسنگی محکوم کنند؟ پیوستن به اعتصابات و اعتراضات حق کارگران و مردم ایران است و آنان از این حق به‌سادگی دست نخواهند کشید."

آقای کمال اوزکان، معاون دبیرکل اینداستریال، در همین ارتباط اشاره کرده بود: "ایران در حال پیاده کردن سیاست‌های اقتصادی بدی است که الهام‌گرفته شده از اقتصاد نولیبرالی است، اقتصادی که هم جامعه و هم نیروی کار را تضعیف می‌کند. ما از مشاهده این موج خصوصی‌سازی، همراه با فساد و سرکوبگری دولتی عصبانی هستیم. چنین دستورالعملی نتیجه‌ای فاجعه‌بار به‌دنبال دارد. کارگران نهادهای صنعتی حق دارند علیه سوءمدیریت آن نهادها اعتراض کنند. کارگران جز اعتصاب در مقابله با سیاست پرداخت نشدن دستمزدهایشان هیچ گزینه‌دیگری ندارند. آنان باید زندگی کنند و امکان داشته باشند که غذا بخورند. نیروهای امنیتی نمی‌توانند خواست‌های مشروع کارگران ایران را برای همیشه سرکوب کنند. ایران باید اتحادیه‌های کارگری مستقل را به‌رسمیت بشناسد."

سندیکاهای کارگری ایران در گزارش‌های مستند خود مشکلات اقتصادی عمیق و گسترده‌ای را گزارش کرده‌اند که ثابت می‌کنند بیش از ۶۰ درصد از کارگاه‌های صنعتی کشور تعطیل شده‌اند.

متن بیانیه فدراسیون سندیکای جهانی اینداستریال:

شکنجه فعالان اتحادیه‌های کارگری هم‌زمان با گسترش اعتصاب‌ها در ایران، موج اعتصاب‌ها در استان خوزستان به دستگیری و شکنجه رهبران و فعالان کارگری منجر شده است.

کارگران کارخانه پولاد ملی ایران در اهواز با ادامه اعتصاب‌های مکرر خود در طی یک سال گذشته، خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و بازگشت کارخانه به مالکیت عمومی شده‌اند. آنان با کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه - که بیش از این به دلیل دیرکرد در پرداخت دستمزدشان و فساد اداری رایج

features

Protesters press for change in Iran

The wave of protests which has gripped Iran since demonstrations engulfed 85 cities last January are showing no sign of letting up. JANE GREEN reports on current developments

مدیران در اعتصاب بودند، اعلام همبستگی کرده‌اند. همچنین، اعتصاب‌های کارگری دیگر در پالایشگاه نفت آبادان، پروژهٔ متروی اهواز، و در میان کارمندان شهرداری حمیدیه در جریان است.

علی خامنه‌ای ادعا کرده است که اعتصاب‌ها توسط دشمنان خارجی کشور هدایت می‌شوند، دشمنانی که سعی در از بین بردن اقتصاد دارند. اما کارگران با این توصیف که: "ایران شده دزد خونه، توی جهان نمونه" پاسخ می‌دهند و تأکید دارند که "دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست".

در ۲۷ آبان‌ماه / ۱۸ نوامبر، تظاهرات ۴۰۰۰ نفری کارگران نیشکر هفت‌تپه در شوش موردحمله نیروهای امنیتی قرار گرفت و ۱۸ تن از رهبران آنان دستگیر شدند. روز بعد، کارگران فولاد اهواز در همبستگی با این کارگران، تجمعی چند هزارنفری برپا کردند. فولادگران اهواز با راه‌پیمایی و تجمع در مقابل فرمانداری اهواز، خواهان آزادی این فعالان کارگری شدند. دانشجویان چند دانشگاه در ایران نیز از دستگیر شدگان حمایت کرده و آزادی آنان را خواستار شدند. مقام‌های حکومتی ۱۴ تن از فعالان بازداشتی را آزاد کردند، ولی "اسماعیل بخشی"، "محمد خانی‌فر"، "مسلم آرمند"، "حسین فاضل" و "سپیده قلیان"- فعال دانشجویی- هنوز در زندان‌اند.

گزارش‌های متعددی از شکنجه شدن اعتصابی‌های دستگیرشده دریافت می‌شود. خانواده‌های "بخشی" و "قلیان" که اخیراً موفق به دیدار زندانیان‌شان شدند نیز این گزارش‌ها را که این دو فعال کارگری مورد ضرب‌وشتم شدید قرار گرفته و در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند تأیید کرده‌اند. جراحات شدیدی در ناحیه سر "بخشی" دیده شده است. او برای اعلام اجباری پایان اعتصاب زیر فشار و شکنجه قرار گرفته است.

"سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک ایران"، که از اعضای رسمی فدراسیون سندیکای بین‌المللی اینداستریال (Industrial Global Union)است، اعلام کرده است: "ضمن محکوم کردن شدید شرایط جسمی و روحی ایجاد شده برای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان هستیم. مسئولیت تمام زجر، آزار، ضرب‌وشتم و وضعیت به‌وجود آمده برای آنان مستقیماً برعهده دولت ایران و حفظ سلامت و امنیت آنان وظیفه مقامات قضایی - امنیتی و دولت است. ما تمام کارگران در سراسر ایران و اطراف جهان را فرامی‌خوانیم که به کارزار برای آزادی همه آنانی که دستگیر شده‌اند به‌پیوندند."

کمال اوزکان، معاون دبیرکل اینداستریال، گفت: "تلاش برای شکستن اعتصاب از طریق خشونت و تهدید و ارعاب برای رژیم ایران ننگ‌آور است. کارگران برای دریافت دستمزد به‌حق خود اعتصاب کرده اندو رهبرانشان بدلیل دفاع شجاعانه از آنان، تحت شکنجه قرار گرفته و رنج می‌برند. حکومت ایران باید به حقوق آزادی‌های سندیکایی و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار، به‌ویژه مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ احترام بگذارد. اتحادیه‌های کارگری باید بتوانند بدون هراس و آزار و اذیت کار خود را انجام دهند و کارگران باید حق تشکیل اتحادیه‌های مستقل را داشته باشند."

هر دو کارخانه‌های فولاد و مجتمع نیشکر هفت‌تپه در شرایطی سؤال‌برانگیز خصوصی‌سازی شدند. مالکان خصوصی که این دو کارخانه را با قیمت ارزان خریده‌اند به‌طور مرتب از پرداخت دستمزد کارگران امتناع کرده‌اند. مدیریت جدید این دو مجتمع، اتحادیه‌های کارگری مستقل را به‌رسمیت نمی‌شناسند. این اتحادیه‌ها گاهی با برگزاری اعتصابات پراکنده موضعی، موفق به کسب دستمزدهای معوقه کارگران می‌شوند.

ادامه همبستگی بین‌المللی ...

ایندااستریال- ۶ دسامبر ۲۰۱۸ برابر با ۱۵ آذرماه ۱۳۹۷
اعتراض سندیکاها و اتحادیه های کارگری جهان

بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از نقاط مختلف جهان،از جمله کشورهای فرانسه، ایتالیا، برزیل، اسپانیا، اندونزی، هائیتی، سنگال، مصر، پاراگوئه و تشکیلات خودگردان فلسطین در نامه‌ای به علی خامنه‌ای، خواهان توقف سرکوب کارگران و معلمان و آزادی فوری علی نجاتی و اسماعیل بخشی از نمایندگان کارگران هفت تپه و سپیده قلیان از فعالان مدنی شدند.

به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بخشی از این نامه آمده است: "ما دائما اخبار بسیار نگران کننده‌ای از ایران دریافت می‌کنیم. حکومت ایران در طی هفته‌های اخیر بی‌وقفه سندیکالیست‌ها و معلمان را به خاطر برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در اعتراض به گرانی و عدم پرداخت حقوق‌ها مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند... ما لغو محکومیت‌های غیرعادلانه که مغایر آزادی و حقوق اساسی بوده و نیز خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه فعالان در بند هستیم که به خاطر فعالیت سندیکایی و دفاع از حقوق به حق مزدبگیران زندانی شده‌اند."

روزنامهٔ مورنینگ استار: معترضان خواهان انجام تغییر در ایران هستند

روزنامه چپ ترقی‌خواه مورنینگ استار که با تیراژ بالا در شش روز هفته خبررسانی کرده درعمل نقش روزنامه جنبش کارگری و سندیکایی بریتانیا را ایفا می‌کند و با حمایت از جنبش کارگری ایران و مبارزات آن، در آگاهی بخشی سندیکاهای این کشور در ارتباط با تحول‌های سیاسی ایران نقشی بسیار پررنگ داشته است. لازم به تذکر است که مورنینگ استار در ۱۱ ماه اخیر بیش از ۵۰ گزارش خبری درباره تحولات ایران منتشر کرده است. این روزنامه در روز ۲۹ آبان‌ماه در مقاله‌ای مفصل که یک صفحه آن را می‌پوشاند، تحولات جدید در مبارزات جنبش سندیکایی کشورمان را به‌قلم خانم جین گرین- از رهبران کمیته دفاع از حقوق مردم (کودیر) و تحلیلگر مطلع مسائل ایران- را تحلیل و بررسی کرد. این مقاله که در آن مبارزات هفته‌های اخیر معلمان ایران، کارگران کارخانه فولاد اهواز و نیز اعتصاب پردامنه کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه گزارش و بررسی شده است، به‌وسیلهٔ چند سایت اینترنتی جنبش کارگری باز انتشار یافت. در مقدمه این مقاله آمده است: "موج اعتراض‌ها که از زمان تظاهرات در ۸۵ شهر در ژانویه گذشته (دی‌ماه ۹۶)، ایران را فرا گرفته‌است، هیچ نشانه‌ای از فروکش کردن نشان نمی‌دهد. این اعتراضات طیف وسیعی از کارگران با حقوق‌های ناچیز، پاره‌وقت و غیرمتشکل را گرفته تا کارگران صنعتی در صنایع فولاد و شکر و کارگران حرفه‌ای فکری مانند معلمان را در بر می‌گیرد. هیچ بخشی از جامعه ایران وجود ندارد که تحت‌تاثیر اعتراضات قرار نگرفته باشد و رژیم همچنان تلاش می‌کند تا این موج سراسری و ملی نارضایتی بر ضد خود را مهار کند." مقاله پس از بررسی خواسته‌ها و شعارهای معلمان کشور و کارگران فولاد اهواز، به بررسی جنبش اعتصابی کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه می‌پردازد. اعتصاب دوره‌ای و تظاهرات کارگران در هفت‌تپه ماه‌های زیادی پدیده‌ای ثابت در مجتمع نیشکر بوده است. کارگران می‌گویند که حقوق آنان اغلب برای چندین ماه پرداخت نمی‌شود و حقوق و مزایای‌شان هم از زمان خصوصی‌سازی قطع شده است. خبرگزاری دولتی آژانس خبری کارگران ایران در ماه نوامبر گزارش داد که اسامی تعدادی از سهامداران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و اعضای هیئت‌مدیره آن، در فهرست رسمی افرادی قرار دارند که مقررات رسمی مبادله ارز در کشور را نقض کرده‌اند.

فریاد حق طلبانهٔ زحمتکشان خاموش نمی‌شود!

پیش به سوی ارتقا سطح همبستگی و پیوند اعتراض‌های مردمی به یکدیگر به هدف گسترش مبارزه علیه استبداد مذهبی

همانگونه که انتظار می‌رفت مبارزهٔ دلیرانهٔ کارگران پولاد اهواز و نیشکر هفت تپه ادامه یافته است. رژیم ولایت فقیه از برآورده ساختن خواسته‌های اصلی کارگران و زحمتکشان ناتوان است و علی‌رغم وعده‌های متعدد، پیگرد، تهدید و سرکوب نتوانسته و نمی‌تواند صدای رسای حق طلبانهٔ طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ما را خاموش سازد.

با وجود انواع توطئه‌ها و اِعمال فشارهای سنگین، کارگران گروه صنعتی ملی پولاد اهواز متحد و یکپارچه به اعتصاب خود ادامه داده و در سی‌امین روز اعتصاب ضمن راهپیمایی در سطح شهر در مقابل مراکز و دوایر دولتی و خصوصی مانند ساختمان مرکزی بانک ملی در اهواز و استانداری خوزستان تجمع برپا کردند. طی هفته‌های اخیر مسئولان وزارت کار در هماهنگی با دیگر ارگان‌های حکومتی بخشی از دستمزد معوقهٔ کارگران را به هدف پایان دادن به اعتصاب، پرداخت کردند اما در همین حال از دادن پاسخ روشن به خواستهٔ اصلی کارگران یعنی توقف خصوصی سازی و تامین امنیت شغلی طفره می‌روند. مدیر کل اشتغال وزارت کار انگشت اتهام را بسوی بانک ملی بعنوان مالک کارخانه‌های گروه صنعتی ملی پولاد نشانه رفته و این بانک را مقصر عدم راه اندازی کامل خط تولید معرفی کرده است. محمد شریعتمداری وزیر کار نیز در دیدار با جمعی از افراد برگزیده از میان کارگران نیشکر هفت تپه سخنان فریبکارانه‌ای بر زبان راند و از پذیرش پیامد سیاست‌های رژیم ولایت فقیه در پیدایش معضل‌های بی شمار اقتصادی و معیشتی برای کارگران شانه خالی کرد.

تاکنون هیچ یک از ترفندهای رژیم برای مهار اعتصاب و جلوگیری از گسترش آن موثر نبوده و کارگران پولاد اهواز با توجه به تجربهٔ هم قطاران خود در نیشکر هفت تپه، بر ادامهٔ مبارزه پا فشاری می‌کنند. اعتصاب کارگران پولاد اهواز در حالی ادامه دارد که از دیروز کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه به دلیل عدم تحقق وعده‌های مسئولان رژیم بویژه آزاد نشدن اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان، فراخوان به اعتصاب مجدد داده و در محوطهٔ این مجتمع، دست به تجمع زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که خواسته‌های اصلی آنها آزادی کارگران و خبرنگار زن در بند، خلع ید از بخش خصوصی و اِعمال نظارت و کنترل کارگری بر تولید است.

ادامهٔ اعتصاب و اعتراض کارگران پولاد اهواز و فراخوان به آغاز حرکات اعتراضی در مجتمع نیشکر هفت تپه نشانگر آن است که ترفندهای رژیم برای مهار و کنترل مبارزات کارگران با شکست روبرو شده است. در هفته‌های اخیر شماری از فرهنگیان، پرستاران، جوانان و دانشجویان با اعتصاب کارگران و بطور کلی مبارزهٔ حق طلبانهٔ جنبش کارگری و سندیکایی اعلام همبستگی کردند این حمایت‌ها و ارتقا سطح همبستگی در جنبش همگانی ضد دیکتاتوری، خشم و نگرانی رژیم ولایت فقیه را برانگیخته است.

حزب تودهٔ ایران بار دیگر پشتیبانی قاطع خود از مبارزهٔ کارگران گروه صنعتی ملی پولاد اهواز و مجتمع نیشکر هفت تپه را اعلام نموده، بر ضرورت حفظ اتحاد در صف‌های کارگران اعتصابی و پرهیز از تفرقه تاکید می‌ورزد. به اعتقاد ما همبستگی با اعتصاب‌های کارگری در تقویت توان جنبش مردمی و نزدیکی و همکاری لایه‌های اجتماعی مخالف و منتقد استبداد مذهبی و تحریم و مداخلهٔ امپریالیسم بسیار موثر بوده و راهگشا تلقی می‌گردد. با همهٔ توان از اعتصاب کارگران پولاد اهواز و نیشکر هفت تپه پشتیبانی کنیم.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

خصوصی سازی را متوقف کنید، کارگران می‌توانند و باید در کنترل و نظارت بر تولید مشارکت داشته باشند

نه به استبداد مذهبی، نه به تحریم و مداخلهٔ خارجی

هرچه گسترده تر باد همبستگی گردان‌های جنبش مردمی در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه

کار نان آزادی

حزب تودهٔ ایران

۱۸ آذرماه ۱۳۹۷

تأملی بر رویدادهای ایران

جنبش دانشجویی با سرکوب حذف شدنی نیست

خبرگزاری هرانا در گزارش خبری‌اش در ارتباط با روز دانشجو، نوشت: "در دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل به‌مناسبت این روز دانشجویان تجمع اعتراضی و تریبون آزاد برگزار کردند. در این تجمع اعتراضی بیانیه‌ای نیز توسط دانشجویان قرائت شد که در بخشی از آن آمده است: ' ۱۶ آذر امسال ما دانشجویان سالن‌های آمفی خود را ترک کرده و به صحن دانشگاه آمدیم تا با صدایی رسا و بلند به همه‌ی اقتدارگرایان اعلام کنیم علی‌رغم تمامی صدمات و حملات، دانشگاه همچنان ایستاده و پابرجاست و این آخرین سنگر آزادی در برابر ظلم و ستم و خفقان پا پس نخواهد کشید.' " ماهنامه "خط صلح" درباره وضعیت جنبش دانشجویی، نوشت: "اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ از درون جامعه و توده مردم شکل گرفت و دانشجویان ازجمله گروه‌هایی بودند که در کنار مردم حضور داشتند. هرچند آمار دقیقی از دستگیری‌های دانشجویان در دست نیست، اما به‌گفتهٔ پروانه سلحشوری، نماینده مجلس شورای اسلامی، از دی‌ماه ۹۶ و پس از آن، دست‌کم ۱۵۰ دانشجو دستگیر شدند. پیشینهٔ جنبش دانشجویی در ایران نشان داده سرکوب و تهدید و پرونده‌سازی هرچند ممکن است فعالیت رسمی دانشجویان را متوقف کند، اما پویایی جوانان در دانشگاه‌ها منتظر اجازهٔ رسمی نمانده و همواره راه خود را برای تأثیرگذاری پیدا کرده است." ماهنامه خط صلح، در مطلبی دیگر، به‌قلم مرتضی هامونیان و با اشاره به حضور دانشجویان در اعتراضات دی‌ماه ۹۶، نوشت: "در دی‌ماه ۹۶ هم باز دانشگاه‌ها- این بار با محوریت فعالین صنفی- به صحنه آمدند. ده‌ها تن با محوریت وزارت اطلاعات دولتی که قرار بود معتدل باشد، به زندان افتادند و روزها انفرادی و بازجویی و وثیقه‌های آن‌چنانی نصیبشان شد و اما از پای ننشستند. از پس از اعتراضات دی‌ماه تا امروز هم فعالیت‌های دانشجویی صنفی خود را سرپا نگاه داشته‌اند و هم با هم متحد شده‌اند." رستمی، رئیس جدید نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، در گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان، ۱۷ آذرماه، در اتباط با مبحث "آزاداندیشی" در دانشگاه‌ها، گفت: "هیچ جامعه‌ای امکانات خودش را به ضد خودش برای فعالیت نمی‌دهد، هیچ سیستمی به ضد سیستم فرصت اختلال در آن را نمی‌دهد. سیستم‌های کامل سیستم‌هایی هستند که در سریع‌ترین زمان ممکن اختلال در سیستم را شناسایی می‌کنند و نسبت به رفع عیب اقدام می‌کنند. در فضای دانشگاهی و عمومی کشور ما ضمن تأکید بر آزاداندیشی، طرح دیدگاه‌های مختلف و پیگیری نقد و گفت‌وشنود دیدگاه‌های مختلف آن نباید مشروعیتی برای جریان‌هایی که رسماً اعلام دشمنی با مردم و باورهای مردم را دارند، درنظر گرفت." محمدکاظمی، عضو کمیته دانشجویی فراکسیون امید، در گفت‌وگو با اعتمادآنلاین، ۱۷ آذرماه، گفت: "درحال‌حاضر برخی از افراد مسئول و غیرمسئول دلشان می‌خواهد که دانشگاه ادامه دبیرستان باشد و جوان‌ها سرشان را پایین بیندازند و در دانشگاه نیز ۴ سال درس بخوانند و فارغ‌التحصیل شوند. اما اینکه چه دستاوردی و چه نتیجه‌ای خواهد داشت برای آنها مهم نیست." مراسم روز دانشجو در سال‌های اخیر با سیاست بی‌توجهی مقام‌های حکومتی روبرو بوده است. حضور در نشست‌هایی به‌همین مناسبت که اجازه برگزار شدن یافتند به وابستگان حکومتی محدود می‌شد. مردم‌سالاری آنلاین، ۱۶ آذرماه، سخنان کواکبیان، نماینده مجلس در دانشگاه آزاد نجف‌آباد، را آورد که در آن به‌جای مسائل دانشجویی عمدتاً به مسائل دیگر ازجمله سن بازنشستگی، ورود زنان به ورزشگاه‌ها، لایحهٔ پولشویی و جز این‌ها، اشاره شده بود. عماد افروغ (نماینده دوره هفتم مجلس و رئیس کمیسیون فرهنگی آن، استاد دانشگاه)، در سخنانی که در قم ایراد کرد ادعا کرد: "امروز جنبش دانشجویی ما از رمق افتاده است. آفت جنبش دانشجویی، تقلیل قدرت اجتماعی به قدرت سیاسی بود و از وقتی جنبش دانشجویی با گروه‌ها و جریان‌های سیاسی بست و خودش را در قدرت مستقر سیاسی و رسمی مستحیل کرد، رسالتش را فراموش کرد" [اعتماد آنلاین،۱۵ آذرماه]. لازم به تذکر است که همفکران سرکوبگر افروغ در نهادهای امنیتی و سیاسی به‌کرات از کسانی که آنان را "دانشجو" می‌نامند، در اجتماعات و اعتراضات جناح‌های حکومتی برای مقاصد سیاسی استفاده می‌کنند. مشخص نیست اگر افروغ این ادعا که وابستگی جنبش دانشجویی با گروه‌های سیاسی را آفت می‌داند را قبول دارد، موضع‌گیری‌اش نسبت به استفاده ابزاری نهادهای همفکر او از دانشجویان با چه توجیهی قابل دفاع است؟ روزنامه آفتاب یزد، به‌مناسبت ۱۶ آذر، در مطلبی، منحصراً به بازگویی این واقعه در سال ۱۳۳۲ پرداخت. عبدالله ناصری، فعال اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با روزنامه ابتکار، ۱۵ آذرماه، با انتقاد از رویه روحانی نسبت به جنبش دانشجویی، به نتایجی مشابه عماد افروغ رسید و گفت: "امروز من معتقد هستم تشکل‌های دانشجویی یا جامعه دانشجویی بسیار بی‌رمق شده است. یک اتفاق دیگری هم که در دو دهه اخیر رخ داده این است که نهادهای قدرت در بیرون از دانشگاه به سمت بازسازی یا تأسیس نهادهای دانشجویی خاص رفتند. این نهادهای حکومتی و قدرت ساخته‌ای که در دانشگاه‌ها شکل گرفت با امکاناتی که در اختیار داشتند فضای دانشجویی را اشغال کردند." گرایش عمدهٔ جنبش دانشجویی میهن‌مان که با اندیشه‌های عدالت‌جویانه چپ گره خورده است، از آغاز حضورش در صحنه سیاسی ایران زیر شدیدترین ضربه‌ها و تاخت‌وتازها بوده است. سرکوب‌های سال‌های اخیر نسبت به موارد قبلی‌شان بی‌شک بسیار سنگین‌تر است. با وجود تمامی این چالش‌ها ما همچنان شاهد حضور جریانی هستیم که ادعا می‌شود از بین رفته است یا کم‌رمق شده است. همین‌که مدعیان بی‌رمقی و از بین‌رفتگی این جنبش به‌مناسبت سالروز آن سخنرانی می‌کنند و رسانه‌های حکومتی به بازخوانی واقعهٔ "روز" این جنبش مجبور می‌شوند، نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که زیر پوست جامعه ما، حرکت نیروی فعال جوانان در مسیر پویایی این جنبش و تأثر گذاری آن بر تحولات اجتماعی، سندیکایی و سیاسی بی‌رمق و از بین‌رفته و محو کردنی نیست و این جنبش رسالت تاریخی‌اش را در شکل‌هایی گوناگون به نیروی سرکوب تحمیل می‌کند.

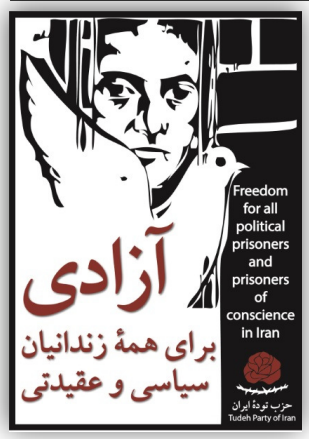

سازوکار مالی اروپا

روزنامه بهار، ۱۰ آذرماه، در مطلبی خبری به‌نقل از عباس عراقچی، معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت امور خارجه، نوشت: "ما تا کنون اراده سیاسی در کشورهای اروپایی را شاهد بوده‌ایم و نشانه‌ای نداریم که خلاف این اراده باشد البته آن‌ها هنوز موفق نشده‌اند که راه‌حل‌های عملیاتی موردنیاز برای منافع ایران را در برجام طراحی و عملیاتی کنند. ما شاهد هستیم که فشارهای آمریکا بسیار زیاد است و گره‌های فنی و حقوقی که بر سر این راه وجود دارد، بسیار جدی است و اروپایی‌ها درحال تلاش برای باز کردن این گره‌ها هستند." سایت خبری- تحلیلی فرارو، ۱۳ آذرماه، به‌نقل از ظریف، وزیر امور خارجه، در ارتباط با سازوکار مالی اروپا، نوشت: "اروپایی‌ها قرار بود این مکانیزم را به‌عنوان اولین قدم راه‌اندازی کنند و تا کنون تلاش‌هایی هم کرده‌اند. به‌نظر احتیاط بیش از حدی از طرف اروپایی‌ها احساس می‌شود، اروپایی‌ها می‌خواهند بدون هزینه برای رفع نگرانی‌های امنیتی، صرفاً از منافع برجام بهره‌مند شوند که این امکان‌پذیر نیست." روزنامه بهار، در همان تاریخ، در مطلبی تحلیلی، نیز نوشت: "پس از آنکه کشوری حاضر به پذیرش میزبانی سازوکار مالی بین ایران و اروپا نشد، عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی اعلام کرد: 'اروپایی‌ها توان اجرای سازوکار مالی جدید با ایران را ندارند.' این سخنان درحالی بیان شد که قبل از او فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرده بود: 'هنوز نمی‌توان تاریخی را برای اجرای سازوکار اجرایی بانکی جدید بین ایران و اروپا اعلام کرد.' بیان چنین

ادامه در صفحه ۵

ادامه رویدادهای ایران ...

سخنانی درحالی بدعهدی اروپایی‌ها را نشان می‌دهد که آنها از زمان اجرای برجام تا کنون کار چندان شایسته‌ای در جهت استفاده ایران از منافع برجام نکردند و بیشتر نقش پلیس بد را بازی کردند." همین روزنامه در مطلبی دیگر به‌نقل از یلدا راهدار، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، نوشت: "اگرچه هشت کشور مشمول معافیت تحریم آمریکا شده و کماکان از ایران نفت خریداری می‌کنند و ایران هنوز به شرایط بحرانی نرسیده است، اما با توجه به تعلل کشورهای اروپایی در ایجاد سازوکار ویژه مالی به‌نظر می‌رسد بیش از این انتظار کشیدن برای ارائه راهکار اروپایی به صلاح کشور و تولیدکنندگان نباشد. لذا مسئولین بایستی با توسعه تعامل با کشورهای همسایه و دو قدرت شرقی چین و روسیه تا حدودی تحریم‌ها را خنثی کنند." روزنامه ایران، ۱۴ آذرماه، سخنان حسن روحانی، رئیس‌جمهور را در شاهرود آورد که گفت: "اگر امریکا بخواهد روزی جلوی فروش نفت ایران را بگیرد، نفتی از خلیج‌فارس صادر نمی‌شود." روزنامه همدلی، ۱۴ آذرماه، نوشت: "مایک پومپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در حساب توییترش نوشت که ایران یک فروند موشک بالستیک را که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای بود آزمایش کرده است." و در ادامه مطلبش، به‌نقل از بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، نوشت: "هیچ قطعنامه‌ای در شورای امنیت برنامه موشکی و یا آزمایش‌های موشکی ایران را ممنوع نکرده است." این روزنامه همچنین نوشت: "سردار 'ابوالفضل شکارچی' سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز گفت که ایران به برنامه موشکی خود ادامه می‌دهد." علی خرم، دیپلمات سابق جمهوری اسلامی، در گفت‌وگو با روزنامه همدلی، در ارتباط با برنامه آزمایش موشکی اخیر، گفت: "به‌نظر من این رفتار، رفتار یک کشوری که در تحریم است، نیست. برای کشوری که در تحریم است و فشارهای سیاسی بر آن وارد می‌شود، انجام چنین رفتارهایی تنها موجب نگرانی کشورهای دیگر خواهد شد و چیزی جز ضرر در پی ندارد." علی خرم در ادامه گفت‌وگویش، نسبت به تأثیرات این رخداد بر برجام در آینده ، ابراز نگرانی کرد و گفت: "اگرچه تأثیر این رخداد در برجام بستگی به برداشت اروپایی‌ها از این آزمایش موشکی ایران دارد، یعنی اگر این‌گونه برداشت کنند که ایران یک تهدید است بدون شک اقدامات سیاسی در واکنش به این موضوع نشان خواهند داد." روزنامه خراسان، ۱۰ آذرماه، نوشت: "اگر ما می‌خواهیم به برخورد یا همان 'مرگ برجام' نرسیم و اروپا را قانع کنیم تا به‌جای وقت‌کشی و حرف زدن، پای میز مذاکره امتیازی عملی دهد، باید آن‌ها را قانع کنیم که از خیر بُرد کامل بگذرند و این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه اروپا از 'نترسیدن' ما برای رویارویی کامل یقین حاصل کند. واقعیت این است که علی‌رغم حرف‌های بعضاً تندی که زدیم رفتار عملی ما از زمان خروج آمریکا از برجام گزاره 'نترسیدن' ما را تضعیف کرده است. ما با خروج آمریکا از برجام که به‌صورت رسمی اجرایی شدن بخش مهمی از برجام را تعطیل کرد، نه‌تنها هیچ مقابله به مثل عملی نکردیم بلکه از سیاست ادامه انجام تعهدات برجامی‌مان بدون کم‌وکاست دفاع رسانه‌ای و آن را هوشمندی دیپلماتیک اعلام کردیم. همچنین بعد از اینکه از اروپا در این مدت جز حرف، اقدامی عملی ندیدیم با بازگشت مجدد تحریم‌ها نیز فقط به تهدیدها و هشدارهای زبانی بسنده می‌کنیم بنابراین بدیهی است طرف اروپایی این تهدیدها را جدی تلقی نکند و همچنان به استراتژی رسیدن به 'برد کامل' ادامه دهد و حاضر به امتیاز دادن نباشد." از هنگام اجرایی شدن تحریم‌های اقتصادی دولت ترامپ علیه ایران، مقام‌های حکومتی نسبت به رویکرد کشورهای اروپایی حساب باز کرده بودند و به‌نظر می‌رسد کم‌کم به‌این واقعیت رسیده‌اند که به‌رغم خواست سیاسی کشورهای اروپایی، درعمل، این کشورها برای همکاری اقتصادی با ایران با چالش‌هایی جدی مواجه‌اند. انجام آزمایش موشکی ایران و به‌دنبال آن جلسه شورای امنیت سازمان ملل در این رابطه به‌همراه سخنان تهدیدآمیز روحانی در شاهرود و اصرار فرماندهی سپاه مبنی بر انجام بیشتر آزمایش‌های موشکی، افزایش تنش‌های نگران‌کننده را گواهی می‌دهد. ما بارها اِعمال تحریم‌های اقتصادی بر ضد دیگر کشورها و ازجمله ایران را محکوم کرده‌ایم، اما اعتقاد داریم با وجود یک دولت ضد مردمی و جنایت‌کار، فرایندهای پیشِ‌روی، دوران دشواری را برای زحمتکشان میهن‌مان در بر دارد.

ادعایِ کاهش قیمت ارزهای خارجی، یا لاپوشانی معضل‌های اقتصادی؟

روزنامه جوان، ۱۳ آذرماه، نوشت : "روز گذشته رئیس‌کل بانک مرکزی به‌شکل غافلگیرکننده‌ای از بازار ارز فردوسی بازدید کرد. این در حالی است که در این روز دلار بازار آزاد از نرخ دولتی نیز پایین‌تر آمد. با حضور عبدالناصر همتی در بازار ارز قیمت‌ها فروکش کرد. نکته مهم در حین بازدید همتی از خیابان فردوسی این بود که اکثر صرافی‌های خیابان فردوسی و جمهوری تابلوهای فروش خود را با قیمت صرافی بانک ملی یکی کردند و به همان قیمت فروش دارند." روزنامه آفتاب یزد، ۱۰ آذرماه، نوشت: "چند روزی است که بانک مرکزی ظفرمندانه اخبار کاهش روزانه قیمت ارزها را اعلام می‌کند. اخبار رادیو و تلویزیون نیز این موضوع را به مردم گوشزد می‌کند و حتی تأکید دارد که قیمت‌ها در بازار آزاد هم رو به سراشیبی است. اما اتفاقی که رخ نمی‌دهد این است که قیمتِ بالارفته کالاها، پایین نمی‌آید. اتفاق عجیب‌تر این است که قیمت کالاهای خارجیِ هم که با ارز وارد می‌شوند نه‌تنها پایین نمی‌آید که اوج می‌گیرد." بهار نیوز، ۱۳ آذرماه، نوشت: "طی روزهای اخیر شماری از نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی درباره کاهش دنباله‌دار نرخ ارز سخن گفته‌اند، ولی این موضوع را نیز بیان کردند که شهروندان منتظر کاهش قیمت‌ها به‌این زودی نباشند و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت طی دو ماه آینده با کاهش قیمت‌ها روبرو هستیم و درحال‌حاضر خبری از افول قیمت‌های جهش یافته نیست." روزنامه همدلی، ۵ آذرماه، در ارتباط با نوسانات قیمت کالا، نوشت: "این روزها برای کمتر کسی پیش می‌آید که در مکان‌های عمومی شاهد صحبت‌های مردم درباره افزایش قیمت‌ها نباشد. همین دیروز بود که این صحبت‌ها در قالب گزارش‌های رسمی نیز به گوش می‌رسید. بر اساس گزارش مرکز آمار، تورم نقطه به نقطه آبان‌ماه به ۳۴/۵ درصد رسیده است که نسبت به ماه گذشته ۲/۱ درصد افزایش را تجربه کرده." روزنامه جهان صنعت، ۵ آذرماه، در مطلبی دربارهٔ سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، نوشت: "بانک مرکزی باید با ابزارهای اقتصادی، بازار ارز را کنترل کند، چراکه تنها پایین نگه داشتن نرخ، به‌تنهایی نمی‌تواند سیاست موفقی در بازار ارز باشد و دیر یا زود، بازار به منطق اقتصادی خود بازخواهد گشت. با این اوصاف، هرچه به انتهای آذرماه نزدیک شویم، به‌دلیل فرارسیدن سال نو میلادی، افزایش نرخ ارز حتی با نگه داشتن تصنعی نرخ ارز نیز دور از دسترس نخواهد بود و بر همین اساس به‌نظر می‌رسد سیاست ارزی جدید دولت نیز تنها سیاستی است برای لاپوشانی شکست‌هایی که در طول یک سال گذشته گریبان بازار ارز را گرفت و دستاوردهای نامعقولش را به دیگر بازارهای اقتصادی کشور سرازیر کرد." روزنامه آفتاب یزد، ۱۳ آذرماه، نوشت: "برخی برآوردها حکایت از آن دارد که درصورت عدم وقوع اتفاق غیرقابل‌پیش‌بینی، قیمت ارز در ماه‌های آتی ثبات یافته و در کانال کمتر از ۱۰ هزار تومان سامان یابد. سؤالی که در این میان مطرح می‌شود، این است آیا روند رو به کاهش قیمت‌ها ادامه دارد؟ " روزنامه همدلی، ۱۴ آذرماه، در مورد ارز حاصل از صادرات، نوشت: "از مجموع حدود ۲۸ میلیارد یورو صادرات غیرنفتی ایران در هشت‌ماهه نخست سال جاری، تکلیف بیش از ۱۵ میلیارد یورو از ارز حاصل از صادرات، که بر اساس قوانین قرار بوده به سامانه نیما بیاید، مشخص نیست. عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی نیز حدود دو هفته پیش اعلام کرد که میزان ورود ارز به این سامانه از ابتدای سال جاری تا کنون حدود هفت میلیارد یورو بوده است. این در حالی است که بر اساس آمار گمرک ایران از صادرات غیرنفتی در هشت‌ماهه نخست سال جاری، حجم صادرات غیرنفتی ایران در این مدت ۲۷ میلیارد یورو بوده است که درواقع ۲۰ میلیارد یورو از آن وارد سامانه نیما نشده است." روزنامه وطن امروز، ۱۳ آذرماه، در ارتباط با قیمت‌ها، نوشت: "بررسی جدول متوسط قیمت اقلام خوراکی مناطق شهری در آبان ۱۳۹۷ که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده است نیز نشان می‌دهد که انواع محصولات خوراکی از ۶ تا ۲۴۴ درصد افزایش قیمت داشته‌اند." روزنامه صبح اقتصاد، ۱۳ آذرماه، در مطلبی در زمینه افزایش قیمت مسکن، نوشت: "بر اساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی از بازار مسکن تهران در آبان ۱۳۹۷، متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع واحد مسکونی در شهر تهران به ۹۱/۸ میلیون ریال رسیده که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۹۱/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد." ادعاهای مقام‌های حکومتی مبنی بر اینکه اوضاع اقتصادی مطلوب است اولین بار نیست که رسانه‌ای می‌شوند. همچنین نخستین بار نیست که مقام‌های حکومتی ادعا می‌کنند نوسانات بازار ارزهای خارجی را کنترل و مهار کرده‌اند. این ادعاها درنهایت پس از مدت‌زمانی کوتاه به‌شکل‌هایی گوناگون بی‌اعتبار می‌شوند. مقام‌های حکومتی در حرکتی تبلیغاتی

ادامه در صفحه ۱۴

ادامهٔ سخنی دربارهٔ پیکار ...

به‌صورت رسمی ثبت شود، باید هیات مؤسس انتخاب کنند و در انتخابات‌شان نیز نماینده وزارت کار برای ثبت تشکل حضور داشته باشد تا رسمیت پیدا کند." نکته مهمی که در این موضع‌گیری فریبکارانه وزارت کار نهفته است شایان توجهی جدی است. مدیرکل حمایت از مشاغل که رئیس هیئت حل‌وفصل موضوع نیشکر هفت‌تپه به‌نمایندگی از سوی وزارت کار نیز بود، با صراحت اعتراف می‌کند که تشکل‌های رسمی حکومتی، یعنی تشکل‌هایی زرد نظیر شوراهای اسلامی و نظایر آن، بین کارگران مطرود بوده و فاقد نفوذ و اعتبارند. در تمام طول مدت اعتصاب، تشکل‌های زرد حکومتی مانند خانه کارگر، کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی و تشکل‌های مشابه این‌ها، از خواست کارگران و اعتراض آنان به ستم و بی‌عدالتی حمایتی نکردند و حتی سخنی بر زبان نیاوردند. انزوای این تشکل‌ها در جریان اعتصاب قهرمانانه کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و کارخانهٔ پولاد اهواز، از رشد جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما و نفوذ رو به گسترش آن بین توده‌های کارگر حکایت دارد. بی‌جهت نبود که خبرگزاری ایلنا، ۸ آذرماه، طی گزارشی، با درک تغییر فضای محیط‌های کارگری و رشد مبارزهٔ زحمتکشان، نوشته بود: "تشکل‌های کنونی کارگری [بخوان: تشکل‌های زرد و حکومتی کارگری] نمی‌توانند پاسخگوی مشکلات کارگران باشند. همین امر سبب شده تا ایجاد تشکل کارگری مستقل تبدیل به یک مطالبهٔ عمومی در بین کارگران شود، اما باید دید آیا مجلس نهایتاً به این باور می‌رسد که وقت اصلاحاتی در قوانین مربوط به تشکل‌یابی کارگران رسیده یا همچنان قرار است تشکل‌های کارگری برمدار قبلی بچرخند." به‌عبارت دقیق‌تر، مبارزهٔ پرشور کارگران نیشکر هفت‌تپه و پولاد اهواز چنان مسیری را طی کرد و چنان اثری بر جای گذاشت که تنظیمات و ارگان‌های مهار و کنترل جنبش کارگری و سندیکایی رژیم که در پوشش تشکل‌های صنفی استتار کرده‌اند، کارایی‌شان را از دست دادند و انفعال و پوسیدگی‌شان برملا شد. زحمتکشان دریافتند که بدون تشکل و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی، امکان تحقق مطالبات به‌حق آنان در عرصه صنفی امکان‌پذیر نخواهد بود.

علاوه بر این، از نقطه‌نظر تلفیق مبارزهٔ صنفی با مبارزهٔ سیاسی، این اعتصاب و اعتراض‌ها آغازگر مرحله‌ای جدید در جنبش کارگری و سندیکایی و همچنین در معادله‌ها و محاسبه‌های مرتبط با آرایش طبقاتی در صحنه سیاسی کشور تأثیر خود را خواهد گذاشت. در طول چهار هفته، طبقه کارگر ایران گام‌هایی استوار به‌پیش برداشت و به سمت تقویت شأن صنفی و جایگاه اجتماعی زحمتکشان و توده‌های محروم جامعه حرکت کرد و باهمه کاستی‌ها، کمبودها و افت‌وخیزهای پیش روی، این واقعیت در مسیر تحول‌های سیاسی کشور چشم‌پوشی‌نشدنی است. پس از اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، صحنه سیاسی میهن ما شاهد حضور بیش از پیش سازمان یافته کارگران و زحمتکشان با خواست های مشخص از جمله توقف خصوصی‌سازی و طرد برنامهٔ ضدملی آزادسازی اقتصادی بوده است، مطالبه‌هایی که از طریق آن‌ها، روبنای سیاسی به‌غایت فاسد و واپس‌گرا را به‌چالش طلبیده شد. یادآوری این نکته مهم خالی از فایده نیست که، مبارزه علیه خصوصی‌سازی، مبارزه‌ای هدفمند است با سیاست‌های کلی نظام و ابلاغیه اصل ۴۴ ولی‌فقیه. کارگران و زحمتکشان نه‌تنها سیاست تعدیل ساختاری و اجرای آن به‌وسیلهٔ دولت‌های مختلف جمهوری‌اسلامی را آماج مبارزه‌شان قرار دادند، بلکه با هوشیاری طبقاتی سیاست‌های ولی‌فقیه در مسائل کلی نظام در معرض مخالفت و مبارزه آنان قرار گرفت. این مطالبه محوری در زمینهٔ خواست‌های عام و مشترک می‌تواند و باید نقطهٔ پیوند و نزدیکی لایه‌های گوناگون جامعه و نمایندگان سیاسی آن‌ها در نبرد با استبداد مذهبی و طرد رژیم ولایت فقیه باشد. باید درنظر داشت که یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی تشکل صنفی طبقه کارگر در سازمان‌های پایه طبقاتی، یعنی سندیکاها، علاوه بر تأمین خواست‌های صنفی- رفاهی، نیاز مبرم طبقه کارگر به تأمین خواست‌های دمکراتیک ازجمله تأمین و تضمین فعالیت انجمن‌ها، سندیکاها، حزب‌ها، سازمان‌ها و همچنین دیگر حقوق و آزادی‌های دمکراتیک فردی و اجتماعی همچون آزادی بیان، اندیشه، قلم، مطبوعات و اجتماعات بوده و هست. حزب ما بارها در مقاطع مختلف تاریخی با صراحت اعلام داشته: فقط و فقط نیروی متشکل و سازمان‌یافتهٔ توده‌های میلیونی و در رأس آن‌ها کارگران و زحمتکشان می‌تواند ضامن تحقق تحول‌هایی بنیادین در کشور باشد. در همین راستا نیز حضور متشکل توده‌ها در امر خنثی ساختن اثرگذاری امپریالیسم بر معادلات سیاسی کشور مهم تلقی می‌شود.

ما در این دو حرکت کارگری آگاهی طبقاتی، نظم و سازمان‌دهی ضرور مبارزه در مصاف با استبداد مذهبی را مشاهده کردیم. طی چهار هفته اعتصاب کارگران، تفاوت پررنگ میان حرکت های سازمان نیافته با مبارزهٔ سازمان‌یافته تأثیر خود را در معادلات سیاسی کشور ما نشان داد. تقویت روح مقاومت، وجدان جمعی، و اصل اتحاد و همبستگی، دستاوردهای ماندگار اعتصاب و اعتراض کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و کارخانهٔ پولاد اهواز است. این را نیز باید بیفزاییم که، در پرتو این اقدام‌های دلیرانه، روح همبستگی در مبارزه با رژیم ولایت‌فقیه بیش‌ازپیش تقویت گردید. می‌توان یادآور شد که از مهم‌ترین دستاوردها و تجربه‌های این دو اعتصاب، افزایش اعتمادبه‌نفس طبقه کارگر و درک این موضوع کلیدی بود که بدون مبارزهٔ متشکل هیچ مطالبه‌ای تحقق نمی‌یابد. زحمتکشان به‌تجربه آموختند و در عمل هم نشان دادند که فقط با مبارزهٔ سازمان‌یافته و ارتقای سطح همبستگی می‌توان به منافع خود دست یافت و درعین‌حال در راه اتحاد لایه‌های اجتماعی مختلف در مبارزه با دیکتاتوری باشهامت و شجاعت گام به‌پیش برداشت. این اعتصاب‌ها سطح همبستگی میان کارگران و نیز دیگر گردان‌های اجتماعی را در حدی معین بالا برد که این خود دستاوردی بسیار پراهمیت است. رشد آگاهی طبقاتی، کاربرد مؤثر سلاح اعتصاب، و افزایش اعتمادبه‌نفس در رویارویی با دیکتاتوری حاکم، و هماهنگی و همراهی هرچه بیشتر گردان های اجتماعی در این مبارزهٔ مشترک و دشوار نوید بخش فراهم شدن شرایطی است که بتوان رژیم ولایت فقیه را به چالش کشید و آنرا به عقب نشینی وادار کرد.

از نماد های جالب همبستگی جنبش دانشجویی با حرکت اعتراضی کارگران شعارهای دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو در ایران بود. همچنین در اعتراض به حرکت های سرکوبگرانه رژیم در مقابله با کارگران و معلمان کشور بیش از ۵۰۰ فعال نشریات دانشجویی در نامه ای سرگشاده به حسن روحانی در مورد تبعات "سرکوب گسترده هر نهاد مدنی مستقل و هر اعتراض مسالمت‌آمیز قانونی" در ایران هشدار دادند و نوشتند: "امروز نیروی انتظامی شما، وزارت اطلاعات شما، وزارت کشور شما، در رقابتی تأسف‌بار با نهادهای امنیتی موازی برای بستن دهان‌ها و نفس‌ها دست به یکی کرده‌اند و البته شما همچنان فقط تکذیب می‌کنید...مگر میشود دختری را از روی سکو پایین کشند و رسانه های مستقل و نشریات دانشجویی چیزی نگویند؟ مگر میشود کارگران هفت تپه، به مسالمت آمیزترین شکل ممکن، به عدم دریافت چندماههی حقوق چندصد هزارتومانی خود اعتراض کنند و دانشجویان بی تفاوت باشند؟ مگر میشود معلمان به پولی شدن آموزش عمومی و عدم رعایت حقوق بدیهیشان مانند تأمین اجتماعی و درآمد آبرومندانه معترض باشند و دانش آموزان دیروز آنان، با سکوت از کنارشان بگذرند؟ مگر میشود دانشجویان این کشور، محرومیت های سیستان و بلوچستان، بیخانمانی زلزله زدگان کرمانشاه، هوای مردم کُش خوزستان و مظلومیت مردم دهونک تهران را ببینند و صرفا نظاره گر باشند؟ مگر میشود آثار سوء خصوصی سازی های افسارگسیخته و تجاری سازی تمامی ابعاد حیات اجتماعی، از جمله دانشگاه را دید و دم برنیاورد؟"

مبارزه مردم جان به لب رسیده از ظلم و ستم رژیم ولایت فقیه، فشارهای کمرشکن اقتصادی و از هم پاشیدگی اجتماعی هر روز ابعاد گسترده تری می یابد و کشور را به سمت یک انفجار بزرگ اجتماعی می راند. بدون سازمان یافتگی، بدون خواست های روشن در راه تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک، تحقق عدالت اجتماعی و پایان یافتن ظلم گسترده دستگاه های گوناگون حکومتی که در شعار "کار، نان و آزادی" مردم در اعتراض های دی ماه ۹۶ تبلور یافت، نمی توان به آینده تحولات با خوش بینی نگریست. جنبش کارگری و زحمتکشان در کنار جنبش دانشجویی، جوانان، زنان مبارز، معلمان و بازنشستگان می توانند نقش موثر و تاریخی در طرد استبداد در ایران و گشودن راه به سمت استقرار حکومتی مردمی باز نمایند. جنبش کارگری و سندیکایی میهن با تجربهٔ ارزشمند مبارزهٔ کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه و کارخانهٔ پولاد اهواز، گامی مؤثر به پیش برداشت و از این پس با توانی بیشتر و بنیه‌ای قوی‌تر به مبارزه ادامه خواهد داد. ارزیابی واقع‌بینانه از نقاط قوت و ضعف جنبش، ارائه تحلیل‌هایی درست از توان خود و رژیم، و بنا بر این تحلیل‌ها، سیاست‌هایی تهاجمی را با توسل به اعتصاب و در پرتو اتحاد عمل فراگیر اتخاذ کردن، وظیفهٔ بی‌درنگ مبارزان جنبش سندیکاییِ زحمتکشان و همهٔ هواداران واقعی منافع طبقه کارگر است.

با اتحاد عمل و تشدید مبارزه می‌توان به سمت تحقق خواست های مردم جان به لب رسیده حرکت کرد. تحولات یکساله اخیر نشانگر تولد فصلی نو در پیکار جنبش کارگری و جنبش همگانی ضد استبدادی است. هر مبارزه‌ای فراز و فرود، پیش‌رَوی و پس‌رَوی داشته و دارد، اما آنچه اصل شمرده می‌شود، ادامه دادن به مبارزه است. پیش به سوی تشدید مبارزه به‌هدف پیوند اعتراض‌های پراکنده به یکدیگر برای درهم شکستن استبداد مذهبی و طرد رژیم ولایت فقیه.

ادامهٔ تلاش پیگیر زنان برای ساختن جهانی ...

از زنان خشونت دیده انجام گرفته را در گزارش های خود انعکاس دهند .
نام گذاری روز ۲۵ نوامبر به‌منزلهٔ "روز جهانی رفع خشونت از زنان" به کشتار وحشیانهٔ سه خواهر مبارز بانام خانوادگی "میرابال" و بانام‌های کوچک: "پاتریا"، "ماریا" و "آنتونیا" مربوط می‌شود. سال‌ها پس از جان باختن این سه خواهر مبارز، در اثر مبارزات زنان جهان به‌ویژه در آمریکای لاتین، در نخستین گردهمایی زنان در سال ۱۹۸۱ در شهر "بوگوتا" (پایتخت کشور کلمبیا)، روز ۲۵ نوامبر، سالروز جان باختن"میرابال"ها زیر عنوان "روز جهانی رفع خشونت از زنان"، ثبت گردید. "مجمع عمومی" سازمان ملل نیز در سال ۱۹۹۹، این روز را روز "جهانی محو خشونت ضدِ زنان" نام نهاد و از سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی نیز خواست تا در این روز با برگزاری برنامه‌هایی، به رشد آگاهی در زمینهٔ کاهش خشونت اقدام کنند، از جمله:

* - بالا بردن سطح آگاهی مردم در رابطه با خشونت‌های جنسیتی و معرفی آن به‌عنوان نقضِ حقوق بشر در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
* - شدت بخشیدن به فعالیت‌های محلی در مبارزه با خشونت‌های جنسیتی و ایجاد رابطه‌یی شفاف میان فعالیت‌های محلی و بین‌المللی در جهت محو خشونتِ ضد زنان؛
* - تشکیل شبکه‌یی که در آن سازمان دهندگان مبارزه با خشونت‌های جنسیتی بتوانند استراتژی‌هایی جدید و مؤثر را اشاعه داده و به‌اشتراک بگذارند؛
* - برجسته کردن همبستگی زنان در سراسر جهان در سازمان‌دهی مبارزه در برابر خشونت علیه زنان؛
* - به‌کارگیری ابزار فشاری بر حاکمیت‌ها/ دولت‌ها به‌منظور اجرای تعهداتی که در زمینه محو خشونت علیه زنان دارند باوجود همهٔ این اقدام‌ها و صدور قطعنامه‌ها، آمارها همچنان وجود و گسترش خشونت به‌ضدِ زنان در سراسر جهان را تأیید می‌کند. سازمان ملل هشدار داده است که به‌رغم تلاش‌های انجام‌گرفته، خشونت ضدِ زنان و دختران در همهٔ کشورهای جهان، به‌نسبت‌های مختلف، جریان دارد و یکی از راهکارهای پیشگیری از خشونت و پایان بخشیدن به‌آن، مقابله با ریشهٔ آن، یعنی نابرابری جنسیتی، است

اسناد دیگری که در این رابطه وجود دارند عبارتند از: اعلامیه توسعه هزاره (۲۰۰۰) که در آن خشونت علیه زنان، نقض حقوق بشر نامیده شده است و برای اولین بار یک گزارشگر ویژه برای بررسی همه جانبه خشونت علیه زنان و ریشه های سنتی، محلی و قومی یا قانونی آن در سطح بین المللی، منطقه ای و ملی تعیین گردیده است.

یکی دیگر از کنفرانس های موفق در راه رفع خشونت علیه زنان ، کنفرانس پکن (۱۹۹۵) است که به ارائه تدابیر قانونی، حمایتی و آموزشی در جهت مبارزه با خشونت علیه زنان پرداخته است. اجلاس پکن+۵ که راهکارهای حمایتی از سوی دولت ها و سازمان ملل متحد در راستای حذف خشونت علیه زنان را بیان نموده همچنین اجلاس پکن+۱۰ که در جریان آن به مشکلات جاری برای بهبود وضعیت زنان و دستاوردها و موانع موجود در راستای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان بررسی شده است. همین طور دراسناد نشست های نوبتی فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان، برهمبستگی بین المللی و مبارزه زنان برای رفع انواع خشونت علیه زنان و کودکان و نیز مبارزه علیه تبعض جنسیتی، برای حفظ صلح و محیط زیست و .. همواره تاکید شده است.

تبعیض جنسیتی زمینه‌ساز خشونت علیه زنان

داشتن یک زندگی به دور از خشونت یک حق اساسی برای هر انسانی است. با این وجود بنا به آمار سازمان ملل متحد، از هر سه زن در جهان ، یک نفر تجربه خشونت فیزیکی را تجربه کرده است و این جدا از خشونت های روحی و روانی است که در بسیاری از کشورها به طور روزمره علیه زنان اعمال می شود. این در حالی است که حداقل 140 کشور جهان در قوانین خود هر گونه خشونت علیه زنان را غیر قانونی و جرم اعلام کرده اند . به عنوان مثال در کشورهای اسلامی نظیر پاکستان (۲۰۰۵)، لبنان (۲۰۱۰) و کشورهای دیگری در آسیا نظیر مالزی (۱۹۹۴)، بنگلادش (۲۰۰۰)، فیلیپین و اندونزی (۲۰۰۴)، هند و کامبوج (۲۰۰۵) و تایلند (۲۰۰۷)، قانون برای مقابله با خشونت خانوادگی علیه زنان به تصویب رسیده است. با این حال بسیاری از خشونت ها ، چه در خانواده و چه در جامعه ، هم چنان نادیده گرفته می شوند. خشونت ها و سرکوب ها علیه زنان و به شیوه های گوناگون ، ریشه در مناسبات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جوامع طبقاتی حاکم در جهان و تفکر ارتجاعی و واپسگرای مذهبی داشته و طبق اسناد بین‌المللی، تبعیض جنسیتی زمینه‌سازِ خشونت علیه زنان است. رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی از معدود کشورهایی است که کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان را به بهانه مغایرت داشتن با احکام اسلامی امضا نکرده است.

نابرابری جنسیتی و تشدید خشونت علیه زنان

اگر نابرابری جنسیتی یکی از مهم‌ترین مانع‌ها در برابر محو خشونت باشد، زنان ایران با تبعیض‌هایی قانونی در ایران روبه‌رو هستند، یعنی قانون‌هایی که از سوی رژیم ولایی و به‌منظور خانه‌نشین کردن زنان، بیرون راندن آنان از عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، و تنزل موقعیت آنان در این عرصه‌ها تصویب می‌شوند. قانون‌هایی چون قانون نیمه‌وقت کردن کار بانوان، تصویب لایحهٔ ضدانسانی "خانواده"، سهمیه‌بندیِ جنسیتی در دانشگاه‌ها، تبعیض‌ها در عرصهٔ مدیریت و فعالیت‌های شغلی، قانون"حجاب و عفاف"، و انواع تبعیض‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌ای که در جهت عکس مصوبهٔ "چهارمین کنفرانس جهانی زنان پکن" و دیگر اسناد بین المللی به‌تصویب رسیدند مصداق بارزی از خشونت دولتی علیه زنان ایران است که مانند خشونت خانگی از حمایت های قانونی رژیم ولایت فقیه برخوردار بوده و روند آن در ایران رو به گسترش است. (طبق اسناد "کنفرانس جهانی زنان پکن"، دولت‌ها وظیفه دارند که دسترسیِ همسان به منابع اقتصادی را برای زنان و مردان در قوانین‌شان منظور کنند).

خشونت خانگی و لایحه منع خشونت علیه زنان

خشونت خانوادگی از شایع‌ترین انواع خشونت‌های مبتنی بر جنسیت است که در حوزه خصوصی و میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این نوع خشونت در کشور ما یکی از مشکلات جدی جامعه است که آمار رسمی آن مثل بسیاری از آمارهای دیگر اعلام نمی شود وداده های مربوط به این حوزه بر تحقیقات دانشگاهی و پروژه های مطالعات اجتماعی استوار است. آخرین آمار علمی ناشی از تحقیق ملی برای فهم ابعاد خشونت خانگی در ایران به اواخر دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی برمی گردد. تحقیقی که در دوران احمدی نژاد از بین برده شد تا به شیوه پاک کردن صورت مسئله، حل آن نیز آسان تر گردد.

سازمان بهزیستی می‌گوید ۲۷درصد زنان ۱۹ تا ۴۹ ساله در ایران مورد خشونت همسران خود قرار می‌گیرند ومطابق گزارش‌هایی که بهمن ماه ۹۶ در هشتمین همایش سلامت روان و رسانه در ایران ارائه شده میزان خشونت علیه زنان رو به افزایش است و ۶۶درصد از زنان ایرانی دست‌کم یک بار از ابتدای زندگی مشترک خشونت را تجربه کرده‌اند

گزارش‌های پزشکی قانونی نیز نشان می‌دهد که تعداد معاینه‌های مربوط به درگیری با موضوع همسرآزاری طی کمتر از یک دهه نزدیک به ۵۰ درصد افزایش داشته و در سال ۹۵ به ۷۷ هزار و ۲۸۰ مورد در سراسر ایران رسیده است. هم چنین بنا به گزارشی از خبرگزاری ایسنا روز هشتم آذر 96،" بر اساس تحقیقات انجام‌شده در استان تهران ، زنان در مقایسه با سایر نقاط کشور، که دارای بهترین شرایط هستند، از هر سه زن، یک نفر در معرض خشونت قرار گرفته است." و این در شرایطی است که بنا بر همین گزارش ، بسیاری از خشونت ها گزارش نمی شوند و " آمارهایی که در دی ماه ۹۵ از سوی مقام‌های پزشکی قانونی تهران منتشر شده، نشان می‌دهد در این سال همسرآزاری پس از تصادفات و نزاع خیابانی اصلی‌ترین عامل مراجعه شهروندان تهرانی به پزشکی قانونی بوده‌است.

مبارزات پیگیرانه فعالان مدنی و زنان و آگاه سازی جامعه نسبت به خشونت به ویژه خشونت خانگی، مدت طولانی است که در رسانه ها و پژوهش های دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله به همت کارزارهای مختلف کنشگران زن در سال های گذشته و ایجاد کارگاههای آموزشی در زمینه خشونت علیه زنان، جامعه نسبت به این پدیده حساس تر شده است. در این رابطه " کارزار منع خشونت علیه زنان " که از یک سال پیش راه اندازی و کارگاهایی در رابطه با خشونت خانگی برگزارکرده است و نیز تلاش برای تهیه طرح پیشنهادی منع خشونت خانگی که وکلا و حقوقدانان در تهیه آن دست داشتند و پیش‌نویس طرح "قانون منع خشونت خانگی علیه زنان " با بهره‌گیری از قوانین ۱۸ کشور مسلمان و غیرمسلمان به‌ویژه در آسیا و آفریقا را ارائه کردند، از تلاش های بارز اخیر است . اما طرح هایی از این قبیل ، از سوی دست اندرکاران و قانون گذاران کشور با موانع بسیار جدی روبرو شده و مورد توجه قرار نمی گیرد. اخیرا بیش از ۱۷۰۰ نفر با امضای

ادامه در صفحه ۸

ادامهٔ تلاش پیگیر زنان برای ساختن جهانی ...

بیانه ای که دربرگیرنده پیشنهادهایی مبتنی بر نظرات وکلای مدافع حقوق زنان است از حکومت خواستند که در لایحه منع خشونت علیه زنان :

۱- خشونت خانگی و انواع آن و مصادیق آن را جرم انگاری کند

۲ - دربرگیرنده همه جانبه نهادهای دولتی و عمومی باشد

۳- به ایجاد واحد ویژه رسیدگی به خشونت خانگی علیه زنان در مراکز قضایی و انتظامی با حضور قاضی و پلیس زن و آموزش مستمر ضابطان قضایی و انتظامی حکم کند

۴ - به تقویت جامعه مدنی کمک کند و نهادهایی که در زمینه مقابله با خشونت خانوادگی فعالیت می کنند را به رسمیت بشناسد

۵ - آموزش و آگاه‌سازی یکی از نقاط محوری آن باشد و رسانه‌ها و نهادهای آموزشی را به فعالیت در راستای حساس سازی و آگاه‌سازی طبقات و اقشار مختلف جامعه هم‌زمان با شروع آموزش عمومی تشویق کند. همچنین، نهادهای آموزشی و علمی را به تولید محتوای علمی و پژوهشی مرتبط فرابخواند و سازمان‌های دولتی را برای تخصیص بودجه‌ای برای این کار ملزم کند

۶- به‌جای تمرکز صرف بر مجازات خشونت‌گر به راه‌کارهای پیشگیرانه و جبران آسیب و صدمه ایجادشده توسط خشونت‌گر توجه بیشتری نشان دهد و درمان خشونت‌گر را در کنار جبران آسیب وارد شده به خشونت‌دیده در نظر گیرد

۷- شهادت خشونت‌دیده و مطلعان و افراد نزدیک به وی را قبول کند و از آنها به‌ویژه اگر در معرض خطر هستند محافظت کند

۸- ایجاد خانه‌های امن و مراکز حمایتی از زنان خشونت‌دیده در سراسر ایران را در دستور کار قرار دهد و از سازمان‌های مردم‌نهادی که به تأسیس خانه امن اقدام می‌کنند حمایت انتظامی به عمل آورد و از آنان حمایت کند

۹- حمایت اقتصادی از زنان خشونت‌دیده و توانمندسازی آنان را در دستور کار قرار دهد

۱۰ - در صورت بروز هر کدام از انواع خشونت‌های نام برده توسط همسر، برای خشونت‌دیده حق طلاق و نگهداری از فرزندان قائل شود.

اما لایحه منع خشونت علیه زنان که از مدت‌ها پیش دردستور کار دولت حسن روحانی قرار گرفته بود- لایحه ای که بدون نظرخواهی از فعالان زن یا وکلای آنان تهیه شده و به قول یکی از فعالان مدنی "بیشتر شبیه یک شوتبلیغاتی است." این لایحه پس ازسلاخی شدن طرح اولیه توسط قوه قضاییه و حذف ۴۱ ماده آن، دوباره از سوی مجلس به قوه قضاییه ارجاع شده و پس از چهار سال انتظار در قوه قضائیه در حال حاضر برای نظر خواهی به مراجع قم فرستاده شده است که مرجع قانونی برای رسیدگی به این امر نیست. با این حال خانم معصومه ابتکار معاون زنان و امور خانواده ریاست جمهوری ایران اظهار امیدواری می کند که این لایحه با نتایج خوب باز گردد !!

حتی لوایح سلاخی شده ای ار این دست، در صورت تصویب، نیاز به بودجه و امکانات فراوان دارد و کارگزاران رژیم در عین اختصاص دادن بودجه های کلان برای حوزه علمیه ها ونهادهای مذهبی و بسیج خواهران وغیره، هیچ گاه حاضر نخواهند بود در این راه بودجه ای صرف کنند و در نهایت مانند لایحه پر سرو صدای "منشورحقوق شهروندی" روحانی، این لایحه ناقص و تعدیل شده نیز در صورت تصویب به همان شوی تبلیغاتی تبدیل می شود که در عمل توان حمایت از زنان خشونت دیده را نخواهد داشت . با مروری به انتقادات از این لایحه در مطبوعات رسمی، دیدگاه قرون وسطایی حاکمیت ولایت فقیه که مغایر با اسناد بین المللی و هنجارهای اجتماعی است به روشنی آشکار و کارگزاران رژیم - زن یا مرد- نیز بر اساس همین دیدگاه آن را نقد و بررسی می کنند که برای نمونه :

ذبیح‌الله خدائیان، معاون حقوقی قوه قضائیه در دوم شهریور ۹۶ اعلام کرد که لایحه مبارزه با خشونت علیه زنان "صرفاً از بُعد جنسیتی تدوین شده است". به گفته خدائیان، ۷۰ ماده از ۱۰۰ ماده لایحه مبارزه با خشونت علیه زنان "وصف کیفری" دارد و "حتی برای کوچک‌ترین تنش میان زوجین حبس مقرر کرده‌است".

البته آنچه که "ذبیح الله خداییان" کوچک ترین تنش میان زوجین ، می خواند ، در این لایحه در برگیرنده موارد زیر است که در بسیاری از جوامع ، هرکدام از آنها جرمی جدی تلقی می شود که تنها مسله زنان محسوب نمی شود ، بلکه جرمی علیه یک انسان و علیه هنجارهای اجتماعی است . اما از دیدگاه خداییان و همفکران او زنان در زمره مایملک مردان و اعضای دون پایه جامعه هستند و بسیاری از آنچه که "جرم" محسوب می شود، در قوانین "شرعی" از وظایف زنان و در راه تامین "نیاز" های مردها ست:

الف) خشونت جسمی ب) خشونت روانی و عاطفی ج) خشونت جنسی د) خشونت اقتصادی هـ) بهره کشی جنسی و) تجاوز جنسی ز) تعرض جنسی ح) آزار جنسی ط) مزاحمت جنسیتی ی) خودآزاری ک) آداب و رسوم ناپسند

ل) جرایم ناموسی

در اسناد حقوقی بین‌المللی ، که مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف خود قرار داده است، عبارت "خشونت علیه زنان" به مفهوم هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا سبب احتمال آسیب‌های جنسی یا روانی یا رنج و آزار زنان است . اعمالی، که سبب محرومیت‌های اجباری یا اختیاری از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوص می‌شود.

درهمین رابطه ، در مقاله ای به قلم زهرا آیت‌اللهی، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان، در روزنامه کیهان، نیز با حمله به این لایحه ، آن را " الگوبرداری متن لایحه از اسناد سازمان ملل و قوانین غربی " دانست و نوشت : "تجربه نشان داده است که بهترین نوع حمایت از زنان همان‌طور که اسلام هدایت کرده، آن است که حمایت از زنان را به مردان خانواده بسپاریم".به و"پدر، همسر، برادر، پدر بزرگ، پدر همسر و محارمی که قدرت حمایت و دفاع از زن را دارند باید مسئولیت حمایت از زنان را برعهده گیرند«

این درحالی است که در آخرین آمار منتشر شده در مورد زنای محارم در روزنامه رسالت، در سال ۸۵، رئیس انجمن آسیب های اجتماعی از تشکیل ۵۲۰۰ پرونده قضایی در ایران در مورد رابطه جنسی محارم خبر داد؛ که شامل چهار هزار پرونده تجاوز برادر به خواهر و ۱۲۰۰ پرونده درباره تجاوز پدر به دختر بود. و این تنها مشکل کشور ما نیست ، بلکه در تمامی جهان ، خشونت ها ، تجاوز و آسیب های اجتماعی بیشتر از هر جایی در محیط خانواده ها رخ می دهد و به همین دلیل قوانین بازدارنده علیه خشونت خانگی از مهم ترین مسایل مورد توجه جوامع به حساب می آید. با این حال در کشور ما چنین قوانینی تهدیدی برای رژیم به حساب می آیند که حتی مبلغ های زن رژیم نیز علیه چنین لوایحی وارد عمل می شوند.

زهرا آیت‌اللهی در یادداشت خود ، تدوین این لایحه را عامل تهدید خانواده‌ها دانست و نوشت که "این لایحه، مردان را به وحشت می‌اندازد که مبادا هر رفتار و اقدام آنها مصداقی از مصادیق خشونت علیه زنان تلقی شود و در نهایت، به آرامش و روح صمیمیت و یکپارچگی در خانواده آسیب می‌زند و خانه را به معرکه‌ای تبدیل می‌کند برای فرار زنان از مسئولیت‌هایشان و خارج کردن مردان از جایگاه اصلی‌شان که مدیریت خانواده است«

بنا به گزارش خبر گزاری تسنیم، در روز 6 تیر 97 حجت‌الاسلام صادقی معاون فرهنگی قوه‌قضائیه در سومین همایش تجلیل از اساتید و فعالان حقوق در اشاره‌ای به لایحه مقابل با خشونت علیه زنان گفت:

" این لایحه از دولت به قوه‌قضائیه آمده و متاسفانه در دهها مورد در آن مجازات حبس دیده شده است" وی با اشاره به این که ظاهر این لایحه برای حمایت از حقوق زنان است، گفت: " اما متاسفانه در باطن بزرگترین ضربه را به زن و خانواده می‌زند.. زنی که شوهرش را به زندان بفرستد دیگر از آن مرد برای آن زن، شوهر در نمی‌آید و زن باید صابون طلاق را به جانش بزند«

دیدگاه صادقی نه تنها تحقیر زنان میهنمان است ، بلکه تهدیدی برای آنها نیز به حساب می آید. صادقی به خوبی از این مسئله آگاهی دارد که بیشتر زنان میهنمان به دلیل عدم استقلال اقتصادی ، در بسیاری از موارد به اجبار خشونت ها و ستم های خانگی و اجتماعی را تحمل می کنند . زنانی که نه تنها از سوی دولت مورد حمایت قرار نمی گیرند ، بلکه در بسیاری از موارد نیز زنان را در شرایط ایجاد شده مقصر می دانند و آنها را "تشویق " به ایجاد آرامش می کنند.

چنین دیدگاهایی بر آمده از تفکر سنتی و ارتجاعی رژیم ولایی است که محدود به چند نفر نیست و تفکری غالب در سیستم رژیم ولایی است. تفکری که به عنوان مانعی جدی در برابر تصویب قوانین حمایتی می ایستد و نیز با تصویب قوانین ارتجاعی و زن ستیز، شرایط به مراتب وخیم تری را برای زنان و دختران ایجاد می کند.

زنان مبارز ایران به‌درستی می‌دانند که برای محو انواع خشونت علیه زنان و ریشه‌های آن، در گام نخست آگاهی‌رسانی به زنان به‌خصوص زنان کارگر، کارمند و زنان سرپرست خانوار، سازمان‌دهی مبارزه‌یی متحد علیه برنامه‌های واپس‌گرایان حاکم در زمینهٔ اعمال هرچه بیشتر خشونت دولتی، و رواج عنصر آگاهی در جامعه به‌هدف زدودن انواع خشونت‌ها، ازجمله خشونت خانگی علیهِ زنان، نیازی مبرم است. این امر با مبارزه در راه طرد رژیم خشن و زن‌ستیز ولایت‌فقیه پیوندی ناگسستنی دارد.

فراخوان پایانی بیستمین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری

بیستمین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری جهان در روزهای ۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸ در آتن و به میزبانی حزب کمونیست یونان برگزار شد که امسال صدمین سال پیکارهای تاریخی‌اش را جشن می‌گیرد.

این نشست با موضوع اصلی "طبقهٔ کارگر معاصر و اتحاد آن؛ وظایف پیشاهنگ سیاسی آن- حزب‌های کمونیست و کارگری- در مبارزه با استثمار و جنگ‌های امپریالیستی، و در راه حقوق کارگران و ملّت‌ها، صلح، و سوسیالیسم" برگزار شد، و در آن ۹۰ حزب کمونیست و کارگری از ۷۳ کشور، از همهٔ قاره‌های جهان، شرکت داشتند.

نمایندگان حزب‌های شرکت‌کننده دربارهٔ تحوّل‌های بین‌المللی، منطقه‌یی، و ملّی بحث و گفت‌وگو کردند و در ارتباط با تجربه‌های به دست آمده در مبارزهٔ حزب‌های کمونیست و کارگری کشورهای خود، اقدام‌های مشترک و همگرایانهٔ خود در فاصلهٔ نشست قبلی تا این نشست، مبارزهٔ طبقاتی در کشورهایشان، و تلاش‌هایشان در راه اتحاد طبقهٔ کارگر با دیگر قشرهای مردمی و ضدانحصاری تبادل نظر کردند.

نمایندگان حزب‌های شرکت‌کننده در مورد تقویت پیکار کمونیست‌ها، روند مبارزات طبقهٔ کارگر و دیگر قشرهای مردمی در راه حقوق کارگران، حقوق مردم، و حقوق جوانان در تقابل با انحصارها، قدرت سرمایه، و ستم و استثمار سرمایه‌داری بحث و گفت‌وگو کردند.

در مقاله‌ها و سخنرانی‌های حزب‌های کمونیست و کارگری بر سرشت استثمارگر، غارتگر، و غیرانسانی سرمایه‌داری تأکید شد. به این نکته اشاره شد که تضادها و رقابت دولت‌ها و ائتلاف‌های سرمایه‌داری چه در شرایط بحران و چه در فضای رشد سرمایه‌داری به طور چندجانبه‌ای در حال تشدید است، و روند صف‌آرایی نیروها در سطح بین‌المللی در حال شکل‌گیری و پیشروی است.

مداخله‌ها، تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی، و دخالت‌های امپریالیستی همچنان ادامه دارد. جنگ‌ها همچنان ادامه دارد، از جمله در سوریه، یمن، لیبی، و نیز در آذربایجان. جنگ برادرکشی در اوکراین نیز ادامه دارد که مسئولیتش به عهدهٔ رژیم ضدمردمی کی‌یف است. تدارک‌های جنگی و تسلیحات نظامی رو به افزایش دارد.

حزب‌های کمونیست و کارگری از مبارزات کارگران و ملّت‌های سراسر جهان با تهاجم امپریالیسم، اشغال، و هرگونه تهدید نسبت به حق حاکمیت و استقلال ملّی، و پیکار آنها در راه صلح و دفاع از گسترش حقوق اجتماعی و دموکراتیک استقبال می‌کنند. تجربهٔ به دست آمده در شمار زیادی از کشورها در زمینهٔ مبارزه با نقشه‌های امپریالیستی و مشی سیاسی آمریکا، ناتو، و اتحادیهٔ اروپا و متحدان آنها، بسیار باارزش است.

تشدید تضادهای پیش‌گفته، مسائل متعددی را با خود به همراه می‌آورد از جمله خطر جنگ‌های امپریالیستی با هدف کنترل منابع تولید ثروت، بازارها، و خطوط لولهٔ انرژی. این خطر، وظایفی جدّی را در برابر جنبش کارگری و کمونیست‌ها قرار می‌دهد تا مبارزهٔ ضدامپریالیستی گسترده در راه صلح و خلع سلاح، و تشدید مبارزه با مشی سیاسی دولت‌های بورژوایی را که در خدمت سودورزیِ سرمایهٔ کلان و جنگ و تجاوز امپریالیستی است، تقویت کنند.

همهٔ این تحوّل‌ها بر این امر تأکید دارد که مبارزه در راه صلح، خلع سلاح، احترام به حاکمیت ملّی و مردمی، و حل‌وفصل مسائل مردم و تأمین نیازهای آنها با مبارزه در راه براندازی وحشیگری سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم پیوندی گسست‌ناپذیر دارد.

حزب‌های کمونیست و کارگری ابتکارهایی را که در سال ۲۰۱۷ به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر و در سال ۲۰۱۸ به مناسبت دویست مین سالگرد تولد کارل مارکس طرح و اجرا شد مثبت ارزیابی کردند و آن را در خدمت دفاع از دستاوردهای اتحاد شوروی و دفاع از سوسیالیسم دانستند که تنها راه رهایی از استثمار سرمایه‌داری است.

حزب‌های شرکت‌کننده بر همبستگی انترناسیونالیستی خود را با ملّت‌های سوریه، فلسطین، و قبرس، با مردم لبنان، سودان، کوبای سوسیالیستی، ونزوئلا، برزیل، ایران، و همهٔ ملّت‌هایی که با تهدیدها و تاخت‌وتازهای امپریالیستی روبرویند، تأکید کردند.

حزب‌های شرکت‌کننده جریان ضدکمونیسم و یورش به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را محکوم کردند و پشتیبانی کامل خود را از کمونیست‌هایی که در لهستان، اوکراین، سودان، قزاقستان، پاکستان مورد اذیت و آزار قرار دارند، و نیز کمونیست‌هایی که در روسیه، ترانس‌نیستریا [در شرق مولداوی]، و جاهای دیگر در معرض فراخواست‌های سیاسی و قانونی [دادگاهی] قرار دارند، اعلام کردند.

مطرح شد که در سال ۲۰۱۹ چندین مورد بزرگداشت مهم وجود دارد، از جمله صدمین سالگرد بنیادگذاری انترناسیونال کمونیستی [کمینترن]، هفتادمین سالگرد انقلاب چین، و شصتمین سالگرد انقلاب کوبا. برای تقویت انترناسیونالیسم پرولتری، برای دفاع از تاریخ و سهم جنبش کمونیستی در دستاوردهای مردمی، برای مبارزه در راه پیشرفت، برای رهایی اجتماعی کارگران و ملّت‌ها، و برای مقابله با دروغ‌پردازی‌ها و تحریف حقیقت تاریخی و همانندسازی کمونیسم با قساوت‌های فاشیستی می‌توان از این سالگردها استفاده کرد.

حزب‌های کمونیست و کارگری همبستگی خود را با پناهندگان و مهاجران اعلام کردند و نژادگرایی، و نیروهای راست‌افراطی فاشیستی خطرناکی را که نظام استثمارگر [سرمایه‌داری] پدید می‌آورد و در مقابل مردم قرار می‌دهد، محکوم کردند.

در بیستمین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری، چندین بیانیهٔ همبستگی با مبارزهٔ ملّت‌ها در بسیاری از نقاط دنیا صادر شد.

حزب‌های کمونیست و کارگری تمایل و خواست خود را برای تدارک و اجرای اقدام‌های مشترک و همگام، بر محور چند موضوع اصلی اعلام می‌کنند:

علیه جنگ، مداخله، و نظامیگری امپریالیستی

اقدام علیه ناتو- که ۴ آوریل ۲۰۱۹ هفتادمین سالگرد تأسیس آن است- و علیه اتحادیهٔ اروپا که از راه [سیاست دفاعی و امنیتی] "همکاری ساختارمند دائمی" (PESCO)و سازوکارهای دیگر بیش از پیش نظامیگرا می‌شود. اقدام علیه سلاح‌های هسته‌یی و پایگاه‌های نظامی خارجی، با بهره‌گیری از سالگرد کشتار جمعی در هیروشیما و ناگازاکی (در روزهای ۶ و ۹ اوت) و هشتادمین سالگرد آغاز جنگ جهانی دوّم (در روز اوّل سپتامبر).

دفاع از تاریخ جنبش کمونیستی و ارزش‌های انترناسیونالیسم پرولتری

برنامه‌های چندجانبه به مناسبت صدمین سالگرد آغاز به کار انترناسیونال کمونیستی [کمینترن] در روز ۲ مارس، اقدام علیه ضدکمونیسم، اذیت و آزار [کمونیست‌ها]، و ممنوعیت فعالیت حزب‌های کمونیست و کارگری. بهره‌گیری از فرصتِ ۱۰۲مین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر برای برجسته کردن دستاوردهای سوسیالیسم و عمیق و گسترده کردن بحث‌های نظری و اقدام‌های عملی برضد سرمایه‌داری و سرشت استثمارگر، سرکوبگر، تجاوزگر، غارتگرانه، و غیرانسانی آن.

تقویت همبستگی انترناسیونالیستی با ملّت‌های در حال پیکار که با اِشغال و تهدیدها و مداخله‌های امپریالیستی روبرویند

تقویت همبستگی انترناسیونالیستی و مبارزه با هدفِ پایان دادن به محاصرهٔ کوبا و مداخله و تهدید علیه ونزوئلای بولیواری. پشتیبانی از پیکار مردم فلسطین به منظور پایان دادن به اشغال، و برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت و برقراری دولتی ملّی و مستقل با پایتختی اورشلیم شرقی مطابق با قطعنامه‌های سازمان ملل متحد؛ حمایت از مقاومت مردم فلسطین و محکوم کردن سیاست‌های جنایتکارانهٔ اسرائیل. محکوم کردن مداخله‌های امپریالیستی در شبه‌جزیرهٔ کره و اعلام همبستگی با مردم کره برای دستیابی به استقلال و اتحاد صلح‌آمیز آنها [در یک کشور]. اعلام همبستگی با پناهندگان و همهٔ ملّت‌هایی که در معرض اشغال، مداخله، و محاصرهٔ امپریالیسم قرار دارند.

همبستگی طبقاتی چندجانبه با پیکار کارگران در راه حقوق کارگر، حقوق اجتماعی و سندیکایی، و علیه تهاجم سرمایه

تدارک اقدام‌هایی برای پیکار در محل‌های کار، به‌ویژه در روز جهانی کارگر (اوّل ماه مه)، همراه با برجسته کردن نقش پیشاهنگی کمونیست‌ها.

در دفاع از حقوق زنان و رهایی آنان

تدارک اقدام‌های مبارزاتی در روز ۸ مارس، روز جهانی زن، به منظور دفاع از حقوق زنان و برابری کامل آنها [با مردان] در کار و زندگی.

مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی و سندیکایی و حقوق دموکراتیک، برضد نیروهای فاشیستی و رژیم‌های ارتجاعی، و برضد نژادگرایی، خارجی‌هراسی، جزم‌گرایی مذهبی، و ستم‌های اجتماعی

تدارک اقدام‌های مبارزاتی در روز پیروزی مردم بر فاشیسم-نازیسم.

تدارک اقدام‌هایی در دفاع از محیط‌زیست

شرکت‌کنندگان در بیستمین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری از حزب کمونیست یونان به خاطر میزبانی موفقیت‌آمیز این نشست سپاسگزاری کردند.

ادامهٔ کتاب تحقیقی و کارشناسانهٔ ...

گفتار سوم: اشتغال کامل، مولد و پایدار؛
گفتار چهارم: تضمین امنیت شغلی؛
گفتار پنجم: شرایط و مناسبات کار؛
گفتار ششم: زنان کارگر؛
گفتار هفتم: سایر گروه‌های خاص کارگری؛
گفتار هشتم: پوشش و شمول قانون کار؛
گفتار نهم: جمعیت کارگری و ترکیب نیروی کار

در پیشگفتار کتاب می خوانیم: "قانون کار و اهمیت آن
قانون کار، پس از قانون اساسی، مهم‌ترین قانون در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود، زیرا تنظیم‌کنندهٔ روابط کار در جامعه و بر جریان تولید اجتماعی و روابط تولیدی ناظر است. قانون کار که حاکم بر سرنوشت نیروی کار، یعنی تولیدکنندگان جامعه است، از مضمون و ماهیت نظام‌های اجتماعی حاکم بر کشورها تبعیت می‌کند. بااین‌همه، در ارتجاعی‌ترین نظام‌ها نیز به‌دلیل حضور گستردهٔ کِمی و کیفی کارگران در جامعه و در تولید و در مقام مولدان ثروت‌های اجتماعی، قانون کار نمی‌تواند به‌صراحت تمام حقوق کارگران را در مناسبات و شرایط کار نادیده گیرد و به‌طور یک‌سویه به توجیه استثمار کارگران و دفاع از سرمایه و سرمایه‌داران بپردازد. ولی شاخص مهم در ارزیابی مفاد قانون کار و مکانیسم ناظر بر اجرای آن در هر کشوری، چگونگی تعریفی است که قانون کار از اصول و حقوق آزادی‌های سندیکایی می‌کند، یعنی شاخصی که خود تابعی از میزان رشدیافتگی آزادی‌های دموکراتیک در جامعه و حضور متشکل کارگران در سازمان‌های صنفی- طبقاتی‌شان حکایت می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، طبقهٔ کارگر، بسته به سطح این رشدیافتگی آزادی‌ها و حضور متشکلش در سازمان‌های صنفی- طبقاتی‌اش است که مُهر و نشانش را بر قانون کار و دیگر مقررات ناظر بر مناسبات و شرایط کار و همچنین سازوکار نظارت بر آن را می‌تواند بر جای نهد. به‌همین دلیل است که سرمایه‌داران، با کمک دولت‌های ارتجاعی و مدافع سرمایه، همواره درصددند تا با محدود کردن آزادی‌های اجتماعی حقوق سندیکایی را نادیده گیرند و مانع تشکیل سندیکاها و سازمان‌های مستقل کارگری شوند یا سندیکاها و سازمان‌های سندیکایی‌ای دست‌آموز را جایگزین آن‌ها کنند. سرمایه‌داران و حاکمان مدافع آنان به‌خوبی واقف‌اند که بدون حضور سندیکاها و سازمان‌های سندیکایی مستقل کارگری، قانون کار یا هر مقررات ناظر بر مناسبات کار- حتی اگر در پوششی از ماده‌ها، بندها و تبصره‌های مترقی هم بسته‌بندی‌شده باشد- ضمانت اجرایی نخواهد داشت، زیرا اگر طبقه کارگر از آزادی‌ها و حقوق سندیکایی مبتنی بر حق تشکیل سازمان‌های صنفی- طبقاتی به‌منظور دفاع از خواست‌ها و منافع اقتصادی- اجتماعی‌اش محروم شود، از قانون و مقررات تنها مشتی الفاظ بر روی کاغذ باقی می‌ماند که اجرای‌شان دیگر به لطف و کرم سرمایه‌داران و دولت‌های مدافع آنان بستگی خواهد داشت.

کارگران میهن‌مان در نظام‌های پیش و پس از انقلاب این را با پوست‌وگوشت‌شان و به‌خوبی احساس کرده‌اند و می‌کنند. کافی است به سیاست‌های مبنی بر ادعای اشتغال کامل و امنیت به‌منزلهٔ رکن ضرور توسعهٔ متعادل و موزونِ اقتصادی و اجتماعی تأمل کرد، یعنی سیاست‌هایی که تمام دولت‌های مستقر، بنا بر معاهده‌ها، میثاق‌ها و مصوبات جهانی، ازجمله مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان بین‌المللی کار، به اجرای آن هست متعهدند. برای ارائهٔ نمونه‌ای از این مصوبه‌ها، می‌توان به "مقاوله‌نامهٔ ۱۲۲" سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با موضوع اشتغال کامل اشاره کرد. مقاوله‌نامه‌یی که ایران نیز در سال ۱۳۵۱ به آن پیوسته است، اما خواستِ اجتماعیِ مستتر در این مقاوله‌نامه در کشور ما به‌دلیل سرکوب سازمان‌های مستقل کارگری و زیر پا نهاده شدن آزادی‌ها و حقوق سندیکایی، محتوایی ضد توسعه و مضمونی دال بر چپاول منابع ملی و غارت ثروت‌های اجتماعی ناشی از کار کارگران و زحمتکشان کشور به‌خود گرفته است. بیکاری فراگیر جایگزین سیاست اشتغال کامل و امنیت کار دستخوش آفت‌های قرارداد موقت و سفیدامضا گردیده و کارگاه‌های کشور به قتلگاه کارگران تبدیل شده‌اند. حقوق کار نیز همچون هر مقوله اجتماعی دیگر اگرچه برای در بررسی جزیی‌تر به مقوله‌های مختلف تقسیم می‌شود، در کلیت‌اش اما نظامی واحد به‌شمار می‌رود، نظامی که اجزایش از ارتباط جزء با کل پیروی می‌کند و

بین اجزایش هم رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار است. به‌علاوه، مقوله حقوق کار نیز مقوله‌یی است نسبی و پویا که گرچه در هر دوره، بسته به توازن قوا، تعریفی معین از آن می‌شود، اما با گذشت زمان و متناسب با رشد و توسعه اجتماعی، گسترش، تعمیق تشکل‌های مستقل کارگری و اتحاد هرچه گسترده‌تر کارگران، دامنه‌یی وسیع‌تر به‌خود می‌گیرد. بنابراین، حقوق کار، چینش بندها و ماده‌های پراکنده در کنار یکدیگر نیست که باری به‌هر جهت یا از سر مصلحت نگاشته شوند. این حقوق، بازتاب دهندهٔ مناسبات عینی کار به‌منزلهٔ فرآیندی اجتماعی و به‌هم بسته است. در نظام سرمایه‌داری حقوق کار در جوهر و ماهیت خود بازتاب دهندهٔ تضاد طبقاتی و مبارزهٔ میان کار و سرمایه است. اما در این نظام نیز سطح رشد حقوق کار که عمدتاً در قانون کار متبلور است، تابع توازن نیروها، سطح رشدیافتگی تشکل‌های کارگری و آگاهی کارگران از حقوق و خواست‌های خود است. از طرفی، روشن است که در نظام سرمایه‌داری سرمایه‌داران با برخورداری از حمایت دولت‌های مدافع سرمایه و ابزارهای سرکوبگر آن و همچنین با بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و غوغاسالاری، در پی محدود کردن هرچه بیش‌تر حقوق کار یا به‌عبارتی حقوق کارگران‌اند. عقب‌گردها و پیش‌رَوی‌ها در حقوق کار، ریشه در همین رویارویی‌های طبقاتی و اجتماعی دارند. سیاست‌های مبتنی بر جهانی‌سازی نولیبرالیسم پس از رخدادهای ناگوار جهانی در سال‌های دههٔ ۹۰ میلادی سدهٔ گذشته، به‌روشنی نشان داد که سرمایه‌داری از کوششی برای تعرض به جنبش کارگری باهدف عقب نشاندن جنبش و تجاوز به‌دستاوردهای کارگران فروگذار نمی‌کند.

با این حال، واقعیت امر این است که کارگران در مبارزه‌شان در طول بیش از دویست سال، توانسته‌اند برخی از حقوق و مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود را به سرمایه‌داران تحمیل کنند، به‌طوری‌که اکنون در اسناد و منابعِ حقوق کار بسیاری از کشورها بخشی از خواست‌های آنان- به تناسب رشد و حضور اجتماعی‌شان- به‌رسمیت شناخته شده است. کف این مطالبات نیز در مقیاس جهانی در مقررات سازمان بین‌المللی کار- سازمان بین‌المللی کار در مقام مهم‌ترین مرجع حقوق بین‌المللی کار- تجلی یافته است. روشن است که دفاع از این دستاوردهای برآمده از مبارزه جان‌فرسای نسل از پی نسل کارگران آگاه و مبارز از یک‌سو و تلاش به‌منظور تعمیق و گسترش آن تا دست‌یابی به آرمان "رهایی از استثمار انسان از انسان" از دیگرسو، در مرکز توجه کارگران و سازمان‌های سندیکایی مستقل آنان باید باشد. نقدِ کنونیِ قانون کار، از چنین نگاهی پیروی می‌کند. به‌باور ما، اصول آزادی‌ها و حقوق سندیکاییِ دربردارندهٔ حق تشکل و اجتماعات آزاد و حق اعتراض و اعتصاب، بن‌مایهٔ حقوق کار و مذاکرات دسته‌جمعی برآمده از آن است. مذاکرات دسته‌جمعی تمام روابط و شرایط کار و ازجمله قرارداد کار، ساعات کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، دستمزدها و رفع تبعیض نسبت به دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، کاریابی، کارآموزی و آموزش حرفه‌ای، تأمین اجتماعی، ایمنی و بهداشت کار، بازرسی کار و جز این‌ها را دربر می‌گیرد و می‌تواند عامل پویایی حقوق کار باشد. از مذاکره دسته‌جمعی است که نهادهای مشارکتی‌ای از نوع شوراهای کار به‌منظور حسن نظارت بر اجرای توافقات و پیگیری مفاد این توافقات در سطح کارگاه و در مقیاس شهر، استان و کشور، شکل می‌گیرد و مفهوم می‌یابد.

اما مبنای مذاکره دسته‌جمعی، حداقل‌های ناظر بر روابط و شرایط کار است که باید در قانون کار تضمین شده باشد. اهمیت قانون کار نیز، پیش‌وبیش از هر نکته، در همین جاست.

ادامه در صفحه ۱۱

ادامهٔ کتاب تحقیقی و کارشناسانهٔ ...

باید ضمن تلاش برای تعمیق و گسترش حقوق کار در همه حال، به چگونگی تعریف این حداقل‌ها نیز توجه داشت.

هم‌چنین، بر پایه اصول آزادی‌ها و حقوق سندیکایی است که کارگران می‌توانند و باید در تمام سیاست‌های خُرد و کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی که مستقیم و غیرمستقیم به زندگی آنان مربوط می‌شود، اظهارنظر کرده، اعتراض یا حمایت‌شان را دربارهٔ آن‌ها بیان کنند و رعایت حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان را در طرح و برنامه‌های دولت‌ها و سیاست‌های کلان نظام‌ها خواستار شوند. کارگران می‌توانند و باید در راستای دفاع از حقوق و منافع‌شان و با حفظ اصولی استقلال‌شان، در حمایت یا رد طرح‌ها و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به گفتگو و ائتلاف با دیگر سازمان‌ها و حزب‌های اجتماعی و سیاسی وارد شوند. زیرا همان‌طور که دیرتر خواهیم گفت، حقوق کار را نمی‌توان و نباید به مناسبات میان کارگر و کارفرما در محدودهٔ کارگاه‌ها خلاصه کرد. محدود کردن حقوق کار به روابط کارگر و کارفرما در سطح کارگاه‌ها و به‌صورت پراکنده، نقض اصول بنیادین حقوق کار است.

قانون کار سال ۱۳۶۹ و حقوق مُثله‌شدهٔ کار

تصویب قانون کار کنونی در سال ۱۳۶۹ و از پی فراز و فرودها و وارد کردن جرح‌وتعدیل‌های فراوان در آن، مانع از آن نشد که کلان‌سرمایه‌داران کشور در همسویی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هم‌چنان به مخالفت‌شان با این قانون- مانند مخالفت با دیگر قوانین حمایتیِ کارگری- ادامه ندهند و لغو یا "اصلاح" هرچه بیش‌تر آن را خواستار نشوند. ازآنجاکه لغو یک‌بارهٔ این قانون می‌توانست و می‌تواند تبعات داخلی و خارجی بسیاری به‌دنبال داشته باشد، روش اصلاح تدریجی باهدف بی‌اثر کردن این قانون را درپیش گرفتند و از طریق تصویب ماده واحده‌ها و قوانین موازی، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها در مجلس، دولت و انواع "شورای‌عالی"ها و ازجمله "شورای‌عالی کار"، دامنهٔ شمول قانون کار را کوچک‌تر و کوچک‌تر کردند، مفاد حمایتی آن را بی‌اثر ساختند و آن را دور زدند. حال‌آنکه، قانون کار پس از قانون اساسی مهم‌ترین قانون به‌شمار می‌رود و نقضِ آن- که به‌معنای نقض یک سند بالادستی از طریق قوانین عادی و بدتر از آن از طریق بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها است- اقدامی است غیرقانونی و ازآنجاکه موافقت کارگران را که یک رکن مهم "سه‌جانبه‌گرایی" است را به‌همراه ندارد، از درجهٔ اعتبار ساقط است.

از طرفی، همان‌طور که اشاره شد، جرح‌وتعدیل‌های وارد آورده‌شده در متن پیش‌نویس اولیه قانون کار، نواقصی را به این قانون تحمیل کرد که ازجمله می‌توان به نادیده گرفته شدن حقوق و آزادی‌های سندیکایی در آن اشاره کرد. واقعیت این است که جمهوری‌اسلامی از همان آغاز کوشیده و می‌کوشد تا به‌هر شیوهٔ ممکن، از آزادی‌های سندیکایی، یعنی این خواست اساسی جنبش کارگری کشور، مانع شود. جمهوری‌اسلامی با معرفی "تشکل‌های زرد" به مجامع بین‌المللی به‌منزلهٔ نمایندگان کارگری کشور، زدوبندهای نهان و آشکار در مجامع بین‌المللی، سرکوب مداوم هرنوع اقدام مستقل کارگری در داخل کشور، تلاش کرده است از اجرای مفاد اعلامیه سال ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار سرباز زند. زیرا بنا بر این اعلامیه، تمامی دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی کار- صرف‌نظر از این‌که به مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ پیوسته باشند یا نه- موظف شده‌اند در بازهٔ زمانی‌ای معین، مفاد و اصول مندرج در این مقاوله‌نامه‌های بنیادین را در قوانین خود به‌رسمیت بشناسند. اینکه جمهوری‌اسلامی و کارفرمایان در ایران این حق را به‌رسمیت بشناسند یا نه، اینکه حق آزادی‌های سندیکایی بنا بر مفاد مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ در قانون کار ایران گنجانده شود یا نه، در ماهیت وظیفهٔ به‌رسمیت شناخته شدن این حق تغییری نمی‌دهد و "غیرقانونی" و "ناحق"، آن قوانین و آیین‌نامه‌هایی‌اند که حق آزادی‌های سندیکایی را نقض کرده‌اند. بنابراین، کارگران کشور "حق" دارند که سندیکاها و سازمان‌های سندیکایی‌شان را آزادانه تشکیل دهند و هرگونه ممانعت از آن، بنا بر مقاوله‌نامه‌های یاد شده در بالا، مصداق نقضِ این "حق" است.

واقعیت این است که مقاومت جمهوری‌اسلامی در برابر این "حق" و تلاش آن به‌منظور حذف یا دور زدن هرچه بیش‌تر مفاد حمایتی کارگری قانون کار با روش‌های پیش‌گفته، دو روی یک سکه‌اند. نظام به‌خوبی واقف است و باور دارد که تنها از طریق نقض این "حق" و سرکوب پیگیر هرنوع اقدام مستقل کارگری، توان حفظ منافع کلان سرمایه‌داران حاکم بر کشور را خواهد داشت. بنابراین، بر کارگران و فعالان کارگری است که ضمن پافشاری بر حق برخورداری از آزادی‌های سندیکایی، با هشیاری تمام به بررسی آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها، طرح‌ها و لایحه‌های پیشنهادی‌ای که هدف‌شان به‌اصطلاح "اصلاح" قانون کار، یا به‌عبارت دیگر، بی‌اثر کردن هرچه بیش‌تر مفاد حمایتی کارگری آن است، با عمل متحد، به‌مقابله با آن‌ها برخیزند.

روشن است که ضعف‌ها و نواقص قانون کار نباید موجب شود که کارگران نسبت به "اصلاح" آن، یا به‌عبارت دیگر، تهاجمی جدید به آن که هدفش زیر پا نهادن هرچه بیش‌تر حقوق کارگران است، انفعال نشان دهند و بی‌اعتنا شوند. باید هشیار بود و ضمن مبارزه برای تعمیق حقوق کار در کشور، راه را بر هرگونه تهاجم جدید به قانون کار مسدود کرد. تنها بر پایهٔ این رویکرد راهبردی (استراتژیک) است که می‌توان با پیش کشیدن بحث‌هایی آگاه کننده و بسیج کارگران، آنان را پیرامون برنامه‌های مطالباتی‌شان برانگیخت و با کوشیدن در این راه چنان نیروی مادی‌ای فراهم آورد که نولیبرالیسم حاکم بر کشور را در دست‌یابی به هدف‌های آزمندانه‌اش ناکام گذارَد و به‌عقب‌نشینی‌هایی هرچه بیشتر وادارَد.

به‌باور ما، رسمیت یافتنِ موضوعی به‌نام "حقوق کار" از سوی سرمایه‌داران و دولت‌ها در بنیاد خود برآمده از تلاش‌ها و مبارزهٔ خونین کارگران جهان در طول بیش از دو سده است. کاستی‌ها نباید موجب انفعال و بی‌اعتنایی به آن بخش از دستاوردهای حاصل از مبارزه نسل‌ها کارگر شود.

با چنین رویکردی است که در این سلسله گفتار، ضمن طرح اصول و مفاد ناظر بر حقوق کار، به نقد کاستی‌های قانون کار کنونی و، البته هرکجا که لازم شود، به نقد کاستی‌های بنیادین قانون کار در دوران پیش از انقلاب، برآمده‌ایم. به‌علاوه، هرجا که لازم شده است، به چگونگی انعکاس حقوق کار در مبانی حقوق بین‌المللی کار که به‌طورعمده در اسناد، مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار تجلی یافته‌اند، اشاره کرده‌ایم. زیرا به‌باور ما یکی از شاخص‌های مهم در تبیین حقوق کار و نقد قوانین کار در کشور، توجه به این اسناد در مقام مهم‌ترین مرجع‌های حقوق بین‌المللی کار و بازتاب‌دهندهٔ کف مطالبات کارگری در مقیاس جهانی است، یعنی مطالباتی که جمهوری‌اسلامی نیز، به‌حکم عضویت در سازمان بین‌المللی کار، به رعایت آن‌ها متعهد است. به‌علاوه، ما برآنیم که آگاه بودن و اطلاع دقیق از مبانی حقوقی کار و ازجمله حقوق بین‌المللی کار، به کارگران و به‌ویژه به فعالان سندیکایی امکان آن را می‌دهد که در کارزار دفاع از منافع کارگران، فعالیت‌های روشنگرانه و پیشبُرد آموزش‌های سندیکایی، مذاکرات دسته‌جمعی با کارفرمایان و دولتمردان، حضور در محاکم قضایی و حتی در احضارها و بازجویی‌های غیرقانونی‌ای که مصداق تجاوز آشکار به حقوق کارگران و آزادی‌های سندیکایی است، با توانایی بیشتری ظاهر شوند.

بر این نکته تأکید می‌کنیم که در این گفتار، همه‌جا، منظورمان از "حقوق بین‌المللی کار"، حقوق به‌رسمیت شناخته‌شدهٔ کار از سوی "سازمان بین‌المللی کار" در مقام نهاد تخصصی سازمان ملل متحد در وضع استانداردهای ناظر بر موازین و مقررات بین‌المللی کار است، یعنی موازین و مقرراتی که به‌طورعمده در چارچوب نظام سرمایه‌داری تعریف شده‌اند و بازتاب‌دهندهٔ کف مطالبات کارگری است. زیرا حقوق کار در نظام‌های سوسیالیستی بس فراتر از موازین و مقررات یادشده است و اساساً از مناسبات مبتنی بر مالکیت عمومی و نفیِ "استثمار انسان از انسان" نشأت می‌گیرند.

به‌علاوه، ما در این گفتار ضمن نقد قانون کار کنونی به دو دلیل به کاستی‌های اساسی قانون کار سال ۱۳۳۷ نیز نظر داشته‌ایم: نخست، به‌دلیل تبلیغات عوام‌فریبانهٔ سلطنت‌طلبانی که با سوءاستفاده از تبه‌کاری‌های نظام حاکم کنونی و با تصور آن‌که پس از گذشت نزدیک به ۴۰ سال، دیگر خاطرهٔ تلخ کارگرستیزیِ آن رژیم وابسته از ذهن‌ها زدوده شده است، اغتنام فرصت کرده و نظام سلطنتی را نظامی می‌نمایانند که درهایش به روی بهشت برین باز می‌شد؛ دوم، از آن رو که نشان دهیم رویکرد مشابه هر دو نظام به حقوق کار، امری اتفاقی نیست و از ماهیت طبقاتی و سمت‌گیری آن‌ها نشأت می‌گیرد. به‌علاوه بر این دو مورد، یکی از هدف‌های این بررسی تطبیقی در سلسله گفتار کنونی، برانگیختن حافظهٔ تاریخی خوانندگان و علاقه‌مندان این‌گونه مطالب و دوستداران زحمتکشان و در کنار آن بازخوانیِ فراز و فرودهای جنبش کارگری میهن‌مان است.

«سیاست» به ارزیابی واقعیت نزدیک می‌شود، اما «پوپولیسم» نه!

"کِوین آوندِن"، ژورنالیست مارکسیست و ترقی‌خواه در مقالهٔ زیر کوشش‌های محیلانهٔ نخبگان سیاسی در سال‌های اخیر برای وارونه جلوه دادن دلایل واقعی روی‌گرداندن توده‌های زحمتکش از حزب‌های سنتی حاکم در کشورهای سرمایه‌داری را افشا می‌کند.

راجر کوهن، ستون‌نگار روزنامهٔ نیویورک‌تایمز در تیرماه گذشته در نوشتاری کم‌مانند برخی از اندیشه‌های خود را درباره کاربُرد روامند واژهٔ "پوپولیسم" یا "توده‌گرایی" در رسانه‌های لیبرالی اروپایی و امریکای شمالی چنین بیان می‌کند: "کاربرد بیش از اندازه این واژه برای ابراز هرگونه خشم و ناخشنودی سیاسی، به‌جایی رسیده است که آن را پوچ و بی‌معنی ساخته است." او در ادامه می‌نویسد: "بدتر از آن، این واژه حامل حس تحقیرشدگی همهٔ رأی‌دهندگانی است که به این نتیجه رسیده‌اند که در دو دههٔ گذشته حزب‌های اصلی برای افزایش دستمزدهایشان یا جلوگیری برای از بین رفتن شغل‌ها یا پیش‌گیری از فروکش کردن بالندگی کشور کاری انجام نداده‌اند." همچنین "پوپولیسم واژه‌ای است برای تحقیر و بی‌ارزش شمردن نخبگان پایتخت‌نشین که توانایی مشاهده و دریافت واقعیت‌ها را ندارند."

اما با وجود این خمودگی فکری، کوشش بسیار زیادی از نشست‌های همگانی فرهنگستانی گرفته تا نوشتارهای خنده‌دار زنجیره‌ای با سرنام: "اندیشهٔ هویت‌بخش عصر ما" در نشریه "گاردین"- کانون لیبرالیسم رخوت‌انگیز در بریتانیا- به‌منظور توجیه این مقولهٔ تفسیرناپذیر صرف می‌شود. مشکلی که این "اندیشهٔ هویت‌بخش" دارد نبودِ چیزی همانند یک تعریف معنادار است.

درواقع ارنستو لاکلائو، نظریه‌پرداز "پسا مارکسیست" پوپولیست، در جستار "دربارهٔ منطق پوپولیسم" می‌نویسد که، پوپولیسم بر "دلالت‌های پوچ" استوار است. واژه‌هایی که بیانگر مفهوم‌های انتزاعی‌اند و هرگونه تلاشی را برای فراکافتن و ساده‌سازی آنها در نمونه‌های مشخص را به‌چالش می‌کشانند. در ادعای لاکلائو گره‌ای درشت که مانند روز روشن است وجود دارد. خاستگاه بحث او دربارهٔ پوپولیسم توضیح پدیدهٔ سیاسی بسیار مشخصی در کشور زادگاهش آرژانتین است. این پدیدهٔ مشخص، جنبشی بود پیرامون "خوان پرون" و اینکه او توانست چگونه حزب‌های سنتی پس از جنگ جهانی دوم را در محاق قرار دهد. ولی گفته‌های لاکلائو در قیاس با آنچه در کتاب‌ها و نوشتارهای تولیدشده در کارگاه‌های خانگی در طول دو سال گذشته مشاهده می‌شود، نمونه‌ای از انسجامی منطقی است. بن‌مایهٔ اساسی این نوشتارها تلنبار کردن تمامی نمودهای رویدادهای سیاسی برآمده از بحران ساختاری در جهان در قالب واژهٔ پوپولیسم است- بحرانی که با فروپاشی مؤسسه‌های مالی بزرگ در سال ۲۰۰۸ شدت یافت. به‌همین ترتیب "سیریزا"- حزب سوسیال‌دمکراتیکی تکامل یافته و از درون کمونیسم یونانی سر برآورده- "پوپولیست چپ‌گرا" و گروه "طلوع طلایی" نونازی "پوپولیست راست‌گرا" نامیده می‌شوند. یا جرمی کوربین و دونالد ترامپ، هردو گونه‌هایی از پوپولیسم را نمایندگی می‌کنند. یکی‌شان کلاه‌بردار املاک است و دیگری اجاره‌نشین یارانه‌ای و دو روی یک سکه دانسته می‌شوند.

در گفته‌های مبلغان سرمایه‌داری لیبرال هنگامی‌که می‌خواهند معنی توهین‌آمیز پوپولیست را همزمان توضیح دهند هیچ نشانه‌ای از وجود طعنه و کنایه دیده نمی‌شود. بنابراین، به ما گفته می‌شود که پوپولیست‌ها همیشه واژهٔ "مردم" را همچون توده‌ای نامتمایز به‌کار می‌برند و آن پیامدهای سیاسی‌ای را که مورد پسندشان نیست حاصل مداخلهٔ خارجی‌ای شرارت‌آمیز قلمداد می‌کنند.

این‌ها از سوی کسانی گفته می‌شود که بدون خم بر ابرو آوردن، مردم را برای انجام همه‌پرسی غیردمکراتیک دومی دربارهٔ "برگزیت" در بریتانیا تحریک می‌کنند و این بار آن را "رأی مردم" می‌خوانند و مدعی‌اند که نتیجهٔ همه‌پرسی نخست زیر تأثیر ولادیمیر پوتین به‌دست آمده است.

شیوهٔ پیام‌رسانی آنان از روش‌های "تونی بلر"- "آلیستر

کمپبل" (رهبران حزب کارگر "نوین" که در همکاری با جورج بوش از ۲۰۰۳ به بعد جنگ علیه ترور را سازمان دادند) نسخه‌برداری شده است. به‌یاد آورید که "ضد پوپولیست‌ها" چگونه سیر اوضاع پس از مرگ پرنسس دایانا و گرفتاری‌های پیش‌آمده برای خانوادهٔ سلطنتی را هدایت کردند و این خانم ثروتمند و با لقب اشرافی را "پرنسس مردم" نامیدند. پس از آن، یکی از سخنرانی‌های تعیین‌کنندهٔ تونی بلر بود که با کنار گذاردن تجانس سنتی طبقاتی پذیرفته‌شده در حزب کارگر- که باید گفت نقض عهدی تاریخی بود- و در مقابل، به سرزنش "نیروهای محافظه‌کاری" پرداخت. منظور او از "نیروهای محافظه‌کاری" هم اعضای قدیمی ترشروی حزب محافظه‌کار بودند یعنی کسانی که مارگارت تاچر به‌سبب اینکه از تدبیرهای نوآورانه برای بازار آزاد بهره‌ای نداشتند آنان را آماج حمله قرار داده بود و هم "محافظه‌کاران" در جنبش کارگری، اتحادیه‌های کارگری، و سوسیالیست‌هایی بودند که "در برابر دگرگونی‌های نولیبرالیستی پیشنهاد مقاومت می‌کردند."

آنچه تمایز میان نفع‌های شخصی "نخبگان" و مردم عادی را یک‌کاسه می‌کرد، گفتمان بریتانیای میانهٔ بی‌طرف میان راست و چپ و تمامی طبقه‌ها بود. آیا این چیزی غیر از حرف و خطابه‌ای پوپولیستی بود؟

اما دلیل آنکه چرا این اقدام به‌ندرت پوپولیستی درنظر آورده می‌شود، به اصل چگونگی جا افتادن واژهٔ "پوپولیسم" در میان لیبرال‌ها و میانه‌روها برمی‌گردد.

و همین‌طور اینکه چرا آنان امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، که خود را به‌شکلی ژوپیتر مردم، پادشاه خدایان، می‌داند که بر فراز همه ایستاده و ملتی چند تکه را متحد می‌سازد پوپولیست نمی‌پندارند؟ بوی آزاردهندهٔ گاز اشک‌آور در خیابان‌های فرانسه در اعتراض‌های توده‌ای روزهای اخیر بر درست بودن این گمانه‌زنی مهر تأیید می‌زند.

مکرون، بانکدار و سرمایه‌گذار پیشین، تکنوکراتی‌ست هواخواه اصلاحات نولیبرالی. بنابراین، او نمی‌تواند یک "پوپولیست" باشد. همین برخورد دربارهٔ هیلاری کلینتون هم صادق است، یعنی کسی که توصیه می‌کند راه شکست دادن "پوپولیسم" راست‌گرا در اروپا بیرون انداختن شمار بیشتری از غیراروپایی‌ها و زیادتر کردن ارتفاع سیم‌های خاردار دورتادور قاره است.

پوپولیسم نمی‌تواند به ترفندهای نخبگان سرمایه‌دار نسبت داده شود، چون معنی واقعی و عملی امروز پوپولیسم مردود دانستن مخالفت گسترده توده‌ها با این نخبگان و گرایش رشد یابندهٔ مردم به دگرگونی‌های بنیادی است.

"ضد پوپولیسم"، نظریهٔ محافظه‌کار نظم سیاسی‌ای ورشکسته به‌شمار می‌رود، و پوششی برای فرماندگی در دریافتن چرایی ازهم‌پاشی نظم موجود است. ضد پوپولیسم علت و معلول را جابه‌جا می‌کند.

فراتر از آنکه پوپولیسم موجب ورشکستگی سرمایه‌داری لیبرال باشد، این ورشکستگی چندگانهٔ سرمایه‌داری نولیبرال است که فوران خشم و آشفتگی‌های سیاسی پرشوری را به‌پیش می‌راند. این پدیده، دفاع کنندگان از نظم سرمایه‌داری انحصاری را غافلگیر کرده است، به‌ویژه آنانی را که در طول دو دهه، آن دوران تاریخی گذرا را با گزاره‌هایی مانند "نظم نوین جهانی" (به‌گفتهٔ جورج بوش پدر)، "پایان رونق و رکود" (به‌گفتهٔ نخست‌وزیر پیشین بریتانیا گوردون براون) و حتی "پایان تاریخ" (به‌گفتهٔ فرانسیس فوکویاما که اکنون می‌گوید بعد از همهٔ این حرف‌ها پایان نبود) تفسیر می‌کردند. در پی فروپاشی مؤسسه‌های مالی بزرگ در ۲۰۰۸ حرف‌های تعارف‌آمیز و نمایشی‌ای دربارهٔ واقعیت اختلاف طبقاتی روبه‌رشد مطرح شد، درست همان‌طور که سیاست‌مداران امروز- یعنی هشت سال پس از آن بحران مالی بزرگ- ادعا می‌کنند که به حرف‌های رأی‌دهندگان موافق ترک اتحادیه اروپا [برگزیت] در منطقه‌های صنعت‌زدایی شدهٔ بریتانیا گوش فرا خواهند داد، ادعایی که ثابت شد گذرا بوده است.

بی‌درنگ پس از آنکه اقتصاد پسابحران ۲۰۰۸ با

ادامه در صفحه ۱۴

تأملی بر نقش پرستاران در خدمات درمانی کشور ونگاهی به مشکلات آنان

نقش حیاتی قشر فداکار و زحمت‌کش پرستاران در خدمت به درمان بیماران، انکارناپذیر است. در همه مرکزهای درمانی و بهداشتی کشور اعم از درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و جز این‌ها، حضور پررنگ و مؤثر پرستاران چشمگیر است و این خود نشان‌دهندهٔ آن است که عمده زحمت مداوای بیماران بر دوش پرستاران است. برای همین است که آنان را فرشتگان سفیدپوش بیمارستان‌ها می‌نامند. در این راستا، سرکار خانم دکتر ژاله عزتی، معاون فنی، آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پرستاری، می‌گوید: "برای حفظ سلامت همگانی در جامعه، اهمیت پرستاران در طراز اول قرار دارد، یعنی اگر بهترین پزشکان و جراحان کار خودشان را برای بیماران به بهترین وجه انجام دهند، اما از آنان به‌خوبی پرستاری نشود، کار پزشکان و جراحان بی‌فایده [خواهد] بود. " به‌رغم خدمات گران‌قدر پرستاران، وضعیت معیشت این قشر زحمت‌کش همواره با بی‌اعتنایی از سوی دست‌اندرکاران سیاست‌گذار رژیم مواجه بوده و هست. اجحاف و ستم بر پرستاران به امری متداول تبدیل شده است. طبق گزارش ۲۵ تیرماه خبرگزاری ایلنا، در مقابل حقوق دو میلیون تومانی یک پرستار، یک پزشک در همان مرکز درمانی ماهیانه ۱۵۰ میلیون تومان می‌گیرد. محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار، در مصاحبهٔ با روزنامه آرمان، ۲۰ آذرماه سال ۱۳۹۱، می‌گوید: "درحال حاضر حقوق اعضای هیأت علمی بیمارستان‌ها ۳۰۰ برابر پرستاران است. این افراد تنها ۵ درصد از کادر بیمارستان را تشکیل می‌دهند، اما ۶۵ درصد درآمد یک بیمارستان به آن‌ها پرداخت می‌شود، و ۱۰ درصد به‌ریاست بیمارستان، ۵ درصد به دانشگاه و تنها ۲۰ درصد به ۹۵ درصد کادر بیمارستان که پرستاران در گروه آن‌ها قرار دارد اختصاص می‌یابد. "

شریفی‌مقدم به اجرا نشدن درست قانون بهره‌وری خدمات پرستاری، اجرا نشدن قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری با گذشت ۵ سال از تصویب آن و "سیاست پزشک سالاری"، سیاستی که باعث شده حقوق پرستاران در سطحی ناچیز باقی بماند، اذعان می‌کند. تمام این اتفاقات در شرایطی رخ می‌دهد که شغل پرستاران جزو مشاغل سخت و زیان‌آور است. خانم طاهره ظاهر صفت، رئیس شورای‌عالی سازمان نظام پرستاری، با بیان این مطلب که شدت فرسودگی‌های شغلی در حرفه پرستاری بالا است، در ادامه چنین اظهار می‌دارد: "پرستاران با مشکلات روحی و روانی ناشی از شیفت‌های طولانی مدت و اضافه‌کاری‌های اجباری دست‌وپنجه نرم می‌کنند " [خبرگزاری ایلنا، شنبه ۱۸ آذرماه ۱۳۹۶].

دکتر علی مقدسی، متخصص طب کار، در مورد آسیب‌های شغلی پرستاران می‌گوید: " پرستاران به‌دلیل ماهیت کارشان در معرض آسیب‌های شغلی قرار دارند که در درازمدت می‌تواند صدمات غیرقابل‌جبرانی را به آنان وارد کند. کار شیفتی به‌عنوان کار در ساعات غیرمعمول (۶ صبح و ۶ بعدازظهر) با برهم زدن ریتم بیولوژیک سبب به‌هم خوردن تعادل فیزیولوژیک بدنشان می‌شود که آثار بالینی آن عبارت است از اختلال خواب، اختلالات گوارشی که این اختلالات به‌علت افزایش سوءهاضمه، یبوست، زخم معده، اثنی‌عشر بر اثر به‌هم خوردن ساعات غذایی و افزایش مصرف موادی مانند چای و کافئین به‌وجود می‌آید. عوارض قلبی- عروقی که شیوع این بیماری‌ها در شیفت کاران بالاست و عوارض دیگری که می‌تواند باعث زایمان‌های زودرس، سقط‌جنین و یا تولد نوزادان با وزن کم باشد " [خبرگزاری ایلنا، ۱۸ آذرماه ۱۳۹۶]. به‌گزارش خبرگزاری هرانا و به‌نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۷، محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستاری، درخصوص مشکلات پرستاران می‌گوید: "درحال حاضر در حدود ۳۰ هزار پرستار بیکار در کشور داریم که علت آن عدم صدور مجوز جذب از سوی دولت به‌دلیل مسائل مالی و نبود پول است و به‌همین دلیل در مراکز دولتی و حتی خصوصی خدمات سالم و ایمن را دریافت نمی‌کنند و درنتیجه دچار خسارت می‌شوند. "

در رژیم ولایت فقیه وقتی پای حق‌وحقوق مردم و ارائه خدماتی که جزو نیازهای اولیه زندگی آنان است به‌میان می‌آید، پول موجود نیست. با توجه به‌اذعان آقای شریفی‌مقدم که با کمبود پرستار مواجه‌ایم و همچنین با استناد به گفته‌های مسئولان و دست‌اندرکاران امور خدماتی، عمق نابخردی رژیم ضد مردمی ولایت فقیه در این زمینه بیش‌ازپیش مشخص می‌شود. شریفی‌مقدم در زمینه نیاز به‌وجود پرستار می‌گوید: "تعداد پرستاران مشغول به‌کار در ایران از متوسط دنیا و کشورهای درحال توسعه پایین‌تر است و همین مسئله می‌تواند سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. " او در همین مصاحبه (با روزنامه آرمان) و در دنباله سخنان قبلی‌اش گفت: "برای دریافت خدمات پرستاری مناسب باید نسبت جمعیت پرستار ۴ باشد که متوسط دنیا به‌ازای هر هزار نفر ۶ پرستار است. اگر بخواهیم حداقل نیروی پرستار به‌ازای جمعیت ۸۰ میلیونی داشته باشیم باید ۲۴۰ هزار پرستار در سراسر ایران مشغول به فعالیت باشند. این در حالی است که تنها در حدود ۱۶۰ هزار پرستار مشغول به ارائه خدمات بهداشتی هستند. "به‌گزارش پایگاه اطلاع رسانی سازمان نظام پرستاری، ۷ آبان ماه ۱۳۹۷، دکتر احمد یزدان نیک، رئیس نظام پرستاری اصفهان، گفته است: "کمبود پرستار، علاوه بر فشار کاری، باعث فرسودگی شغلی و افزایش میزان خطاهای پرستاری و درنتیجه افزایش مرگ‌ومیرهای بیمارستانی خواهد شد. " آقای دکتر یزدان نیک در این مصاحبه از گفتن این واقعیت تلخ و دردناک خودداری می‌کند که در این رژیم تاریک‌اندیش قرون‌وسطایی سودجو، سلامتی پرستاران هیچ اهمیتی ندارد. وقتی پرستاران می‌بینند نه از شأن درخوری برخوردارند و نه از حق‌وحقوقی که نیاز معیشتی‌شان را تأمین کند بهره‌مندند، خیل کثیری از آنان به‌ناچار از کشور مهاجرت می‌کنند. صدیقه سالمی، معاون فنی سازمان نظام پرستاری، در این رابطه به خبرگزاری مهر، ۶ مهرماه ۱۳۹۱، چنین اظهار کرده بود: "وزارت بهداشت خطر را احساس می‌کند. زیرا که روزانه ۴۰ پرستار به این سازمان مراجعه می‌کنند تا برای اعزام به خارج کشور معرفی‌نامه دریافت کنند، چراکه ترجیح می‌دهند عطای اشتغال در داخل کشور را به لقای آن ببخشند و راه سفر به کشورهایی را پیش بگیرند که در آن‌ها می‌توانند در کنار ساعات پایین کاری و شیفت‌های اختیاری از حقوق‌های چند برابری بهره مند شوند. " به‌رغم اینکه چندین سال از این سخنان هشدارآمیز خانم صدیقه سالمی سپری شده است و با وجود اینکه پرستاران به وضعیت وخیم شغلی‌شان اعتراض‌هایی گسترده کرده‌اند، درعمل، رژیم برای بهبود وضع پرستاران کشور هیچ قدمی بر نداشته است و به‌علت ماهیت ارتجاعی و ضد ملی‌اش هرگز هم قدمی برنخواهد داشت. ابعاد ستم و اجحاف مضاعف بر پرستاران که نود درصدشان زنان‌اند دامنه‌ای بس گسترده دارد، چراکه رژیم ظلم و جور ولایی به‌عناوین مختلف و همچنین به‌علت نگاه تاریک‌اندیش و زن‌ستیزش این قشر زحمت‌کش را تحقیر می‌کند و به اعتراض‌های آنان هیچ وقعی نمی‌نهد که این خود داستانی بس تلخ، دردناک و پرآب چشم است. از حیله‌های رژیم به‌منظور سرکیسه کردن پرستاران مظلوم و زحمتکش، از تشکیل صندوق تعاونی اعتباری نظام پرستاری می‌توان یاد کرد که با وعدهٔ تشکیل آن و سپرده‌گذاری در این صندوق، به پرستاران وام پرداخت خواهد شد. پس از جمع‌آوری پول نه‌تنها هیچ وامی پرداخت نمی‌شود، بلکه اصل مبلغ سپرده نیز به پرستاران مسترد نمی‌شود. به‌گزارش خبرگزاری ایرنا، ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۷، حدود ۳۰۰ پرستار زن و مرد در مقابل ساختمان صندوق تعاونی اعتبار سازمان نظام پرستاری تجمع کردند و پرداخت وام‌های وعده داده‌شده این صندوق یا بازپرداخت سپرده‌هایشان را خواستار شده‌اند. از سویی دیگر موج گسترده خصوصی‌سازی بیمارستان‌ها و امر بهداشت و درمان که بهتر است آن را پولی‌سازی مداوای بیماران نامید، ضربات هولناکی بر پرستاران و شغل پرستاری وارد آورده است. با پولی‌سازی نه‌تنها به امنیت شغلی پرستاران آسیب زده‌اند، بلکه حتی کاری کرده‌اند که اصولاً پرستاران امیدی به استخدام و طبعاً اشتغال به حرفه خویش نداشته باشند. آقای غضنفربیگی، رئیس سازمان نظام پرستاری، در گفتگو با روزنامه آرمان، ۵ مهرماه ۱۳۹۱، می‌گوید: "دفاتر کارآفرینی دانشگاه‌های علوم پزشکی زمینه استخدام پرستاران را در اسرع وقت فراهم می‌کنند. استخدام پرستاران در این مرحله فعلاً قراردادی است. اما آن‌ها در آزمون‌های استخدامی وزارت بهداشت در اولویت استخدام خواهند بود. " آقای غضنفربیگی نمی‌گوید که این اولویت تا چه حدی می‌تواند مایهٔ دل‌خوشی جویندگان شغل باشد؟ آن هم زمانی که به‌گفتهٔ خود دست‌اندرکاران نه برای کاهش ساعت کار پرستاران فکری شده، نه با بازنشستگی پرستارانی که بیش از ۲۵ سال سابقهٔ کار دارند موافقت می‌شود، و نه برای اجرایی شدن قانون بهره‌وری کار و قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری تدبیری اتخاذ شده است. اظهارات متناقض و وعده‌های پوچ و توخالی آقای غضنفربیگی، نشان از بی‌توجهی رژیم فقیهان به وضعیت زندگی این قشر زحمت‌کش دارد.

در این اوضاع وخیمی که پرستاران کشورمان سال‌هاست با آن دست به گریبانند، دولت به‌جای استخدام پرستاران، آنان را بلاتکلیف نگه‌داشته و می‌دارد تا به‌اجباری که رژیم جمهوری‌اسلامی برایشان رقم می‌زند تن بدهند. علی‌محمد آدابی، رئیس سازمان نظام

ادامه در صفحه ۱۴

ادامهٔ «سیاست »به ارزیابی واقعیت نزدیک ...

اقدام‌هایی مانند: ملی کردن بدهی بانک‌ها و باقی گذاشتن اقتصاد کازینویی در اختیار بخش خصوصی، وارد بهبودی‌ای کم‌رمق شد، کم‌وبیش تمامی نیروهای حاکم سنتی راست میانه و چپ میانه به‌روال پیش از بحران بازگشتند، با این تفاوت که اکنون ریاضت اقتصادی بیشتر شده است.

اما پوپولیست‌های لیبرال تنها با مشاهده توخالی بودن سیاست‌های رسمی در بازه زمانی واپسین سال‌های ۱۹۸۰ تا اوایل سال‌های دههٔ ۲۰۰۰ از آن دوران گله می‌کنند. این دوره برای طبقه میلیاردر سال‌های عصر طلایی به‌شمار می‌رود: همگرایی حزب‌های سنتی با توافق بر اساس دورهٔ پسایدئولوژی، بازار آزاد، فعالیت سیاسی‌ای که به یافتن رأی‌دهندگان نوسانی‌ای موهوم کاهش یافت درحالی‌که پشتیبانان پایدار نادیده گرفته شدند و عرصه‌های بیشتری از زندگی از محلی گرفته تا بین‌المللی به بوروکرات‌های غیرمنتخب (کارگزاران حرفه‌ای) تحویل داده شد.

آیا تعجبی دارد که بسیاری از مردم احساس می‌کنند که از کاروان عقب مانده‌اند، هیچ اختیاری بر زندگی خود ندارند و با حزب‌های سنتی احساس بیگانگی می‌کنند؟

این پوپولیسمی تازه نیست که ما شاهد آنیم، بلکه بازگشت پرسش‌های اندیشه‌ای بزرگ دربارهٔ آیندهٔ جامعه و سیاست‌های مردمی است. این روندی است که با جنبش‌های ضد جهانی‌سازی شرکت‌های انحصاری و جنگ، در آستانهٔ سده جدید آغاز گردید. هردوی این جنبش‌های ضد جهانی‌سازی و ضد جنگ، بر حسب تصادف در صفحه‌های نشریهٔ "اکونومیست" و دیگر نشریه‌های مشابه، به‌مثابه برخوردهایی پوپولیستی که گویا با پاسخ‌هایی ساده- مانند نرفتن به جنگ در ضدیت با جنگ و برای مباحثی پیچیده که گویا تنها یک کارشناس ارشد بازرگانی و مدیریت اقتصادی از هاروارد قادر است از آن‌ها سر درآورد- به‌باد تمسخر گرفته شدند.

بازگشت دوبارهٔ برخوردهای بزرگ سیاسی سده بیستم به‌معنای قطبی شدن میان نیروهای چپ و راست است. احساس عمیق موجود دربارهٔ "ما و آنان"، پرسش بی‌پرده‌ای را در برابر ما می‌گذارد که منظورمان از این گفته چیست. مخالفت با نژادگرایی در تمامی صورت‌های آن، مبارزه چپ را مشخص می‌کند. این چیزی کمتر از افترا نیست که محبوبیت تازهٔ آرمان‌های سوسیالیستی با کوشش‌های سازمان‌دهی‌شده به‌منظور برپایی راست افراطی‌ای جهانی یا حتا فاشیستی همسان شمرده شود. امری که، با دامن زدن به سیاست‌ها و خطابه‌های نژادپرستانه از سوی حزب‌های حاکم آسان‌تر شده است.

این فرصتی جدید برای چپ امروز است که خردمندانه خود را دربست در درون جنبش فراگیر طرد نخبگان از کارافتاده قرار دهد، ولی نباید آنجا متوقف بماند. مبارزهٔ سترگ عقیدتی و اندیشه‌ای در پیشِ رو قرار دارد تا چشم‌اندازی انترناسیونالیستی و ضد سرمایه‌داری بر خشم عمومی مسلط شود.

این پیکارها باید دربرگیرنده مبارزهٔ سیاسی‌ای شدید در اعتراض‌های کنونی به افزایش بهای سوخت در فرانسه تا هدایت آن‌ها نه به سوی سخنان کرکننده لوپن فاشیست، بلکه به سوی چپی رادیکال و توضیح اینکه این رنج‌ها زاییدهٔ نظام سرمایه‌داری است و نه دسیسهٔ مخفیانه "سرمایه‌دارهای بدسرشت". چپ می‌تواند پیروزمند این نبرد باشد به‌شرط آنکه تحقیر و بیزاری نخبه‌سالارانه از طبقه کارگر و نگرش آن را قاطعانه مردود بشمارد. برای واژهٔ پوپولیسم کاربردی سودمند وجود دارد، و پدیده‌ای مشابه آن در واپسین سال‌های سدهٔ نوزدهم در دو سوی اقیانوس اطلس است که باید به‌وسیله تاریخ‌شناسان بررسی شود. برای نمونه، از حزب پوپولیست خرده کشاورزان در ایالات متحده یا نارودنیک‌های طبقهٔ متوسط که در میان دهقانان روسیه به تبلیغ می‌پرداختند یا محبوبیت حزب لیبرال در بریتانیا که با گسترش حق رأی پیوند داشت، می‌توان نام برد. هرکدام از این پدیده‌ها به شیوه‌ای ناهمسان با یکدیگر و به‌صورت ابتدایی بیان‌کنندهٔ نارضایتی عمومی از رنج اقتصادی و جابه‌جایی ناشی از سرمایه‌داری صنعتی و از انباشت بی‌سابقه ثروت و قدرت بودند.

در دو مورد، سوسیالیست‌ها که اغلب متأثر از مارکسیسم بودند، با موفقیت توانستند از این جنبش‌های متناقض نیرویی توده‌ای بسازند که در مورد روسیه به یک جنبش انقلابی و در بریتانیا به جنبشی پارلمانتاریستی منتهی شد. طبقهٔ کارگر ایالات متحده هنوز برای نارسایی مطلوب جنبش آن زمان خود هزینه می‌دهد.

رخ دادن دوباره رویدادهایی مشابه در اقتصادهای کهن سرمایه‌داری که همتایان امروزی صنعتگران سده نوزدهم را همچون اسلافشان هراسان ساخته است، احتمال دارد. ازاین‌روی، باید ماهیت تهاجم تبلیغاتی "ضد پوپولیسم" در رسانه‌های پرتیراژ سرمایه‌داری را دقیقاً رصد کرد و شناخت. واقعیت امر این است که این بلندگوهای سرمایه‌داری نولیبرال ضد پوپولیسم نیستند، بلکه با بهره‌گیری از این واژه، از اینکه مبارزه برای سوسیالیسم بار دیگر محبوبیت پیدا کند، هراس‌شان را به‌نمایش می‌گذارند.

ادامهٔ تأملی بر نقش پرستاران ...

پرستاری، در گفتگو با باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۷، با اشاره به علت رغبت نداشتن پرستاران بیکار برای استخدام در قالب شرکتی، چنین اظهارنظر می‌کند: "به‌قطع و یقین کار شرکتی بدون وجود امنیت شغلی و داشتن حداقل میزان دستمزد و مسائل بیمه درشأن پرستارانی که چندین سال درس می‌خوانند و دوره‌های تئوری و عملی را با همهٔ سختی‌ها و دقت‌هایش می‌گذرانند، مناسب نیست. "آقای آدابی با طرح گوشه‌ای از مشکلات پرستاران نمی‌خواهد از راه‌حل اساسی این معضل- به‌تبع پست و سمتی که در ساختار رژیم دارد- حتی کلمه‌ای بر زبان آورد. دولت ضد مردمی تدبیر و اعتدال آقای حسن روحانی به‌جای رسیدگی به انبوه مشکلات پرستاران، به برنامه‌ریزی "طرح هوم‌کر" (خدمت پرستار در منزل) اقدام کرده است. مطابق این طرح، به‌منظور کاهش اشتغال تخت بیمارستان‌ها بیماران نه در بیمارستان بلکه در منزل خود مداوا خواهند شد. رژیم نیز برای تشکیل شرکت‌هایی با همین نام، به افراد وابسته به‌خود مجوزمی دهد تا پرستاران را بدون بیمه و مزایای شغلی به‌خدمت گیرند و به‌سودورزی اقدام کنند. در این ارتباط هادی زرینی، رئیس نظام پرستاری همدان، در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس، ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۹۷، می‌گوید: "۱۳ نفر در همدان مجوز ایجاد مرکز هوم‌کر دریافت کردند که این افراد دارای شرایط خاص هستند. "آقای هادی زرینی برای عوام‌فریبی، وابستگان به رژیم را افراد دارای شرایط خاص می‌نامد. او در همین گفت‌وگو صراحتاً اذعان می‌کند که پرستارانی که در مراکز هوم‌کر مشغول به‌کار شوند فاقد بیمه و مزایای شغلی خواهند بود. مسئولان و کارگزاران رژیم جمهوری‌اسلامی می‌دانند که مداوای بیمار در منزل عملی نیست. برای آنان مهم سودآوری است و نیز هم تقبل نکردن و شانه خالی کردن از درمان و مداوای مریض، به همان نحوی که هادی زرینی در این گفت‌وگو به آن اعتراف می‌کند: "با ایجاد طرح هوم‌کر شاهد کاهش هزینه‌های وزارت بهداشت خواهیم بود. " برای دست‌یابی پرستاران به حقوق راستین‌شان، ایجاد سندیکای پرستاران و تشکل پرستاران در آن و مبارزه صنفی سندیکایی و ارتقای آن به نبرد سیاسی با رژیم جمهوری‌اسلامی و در پیوند مبارزاتی با مبارزه دیگر قشرهای زحمتکش جامعه می‌توان به‌هدف انسانی خود رسید. داشتن هرنوع امیدی به این دستگاه ظلم و جور برای برداشتن ولو یک گام به‌نفع پرستاران یا مطالبات دیگر قشرهای زحمتکش جامعه توهمی بیش نیست و جز منحرف کردن مسیر درست مبارزه و انحراف اذهان توده‌ها درعمل هیچ پیامدی نخواهد داشت. در سایه اتحاد و همدلی همگانی قشرهای زحمتکش جامعه می‌توان رژیم ولایی را به‌عقب‌نشینی و تسلیم واداشت و به دستاوردهایی عینی و ملموس به‌نفع زحمتکشان نائل آمد. پیروزی درگروی مبارزه دسته‌جمعی و سازمان‌یافته است. مبارزهٔ همدوش با دیگر زحمتکشان و حضور فعال‌تر و مؤثر در مبارزات جنبش سندیکایی، وظیفهٔ تأخیرناپذیر پرستاران زحمتکش و فعالان صنفی آنان است!

ادامهٔ رویدادهای ایران...

درصدد الغای این باور غلط هستند که کاهش نرخ ارزهای خارجی، قیمت کالاها را کاهش داده و به‌طورکلی وضعیت اقتصادی را به سوی بهبودی سوق خواهد داد. همان‌طور که در گزارش‌های بالا هم آمده است، واقعیت‌های اقتصادی را با تبلیغ کاهش نرخ ارزهای خارجی نمی‌توان کتمان کرد. معضل‌های اقتصادی سال‌ها گریبان‌گیر زحمتکشان میهن‌مان بوده و در حقیقت با زندگی روزمره آنان عجین شده است و با تحریم‌ها ارتباطی خاص و صد درصد ندارد. تعطیلی مراکز تولیدی، حاشیه‌نشینی، حقوق‌های عقب‌افتاده، اخراج‌های گسترده نیروی کار و پدیده‌های مذموم کلیه و کبد فروشی قدمتی بیش از دو دهه دارد. اِعمال سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی و ضد تولیدی باعث شده است تا اِعمال تحریم‌های اقتصادی امپریالیسم بر زندگی زحمتکشان میهن‌مان اثرهایی به‌مراتب بیشتر داشته باشد.

ادامهٔ کنگرهٔ وحدت حزب کمونیست فرانسه ...

تکمیل‌شده بود، شنبه شب با ۸۷/۲۶ درصد آرا، یعنی ۵۶۷ رأی موافق، ۸۳ رأی مخالف و ۲۵ رأی ممتنع به‌تصویب رسید. در روند برگزاری کنگره بیش از ۷۰۰۰ اصلاحیه پیشنهادی استان‌های مختلف موردبررسی قرار گرفت و به ارائه متنی منجر شد که با اکثریت بالایی به‌تصویب کنگره رسید که خشنودی همگی را موجب گردید. پیر لوران این روند را چنین توضیح داد: "خوشحالم که بسیاری از نوآوری‌های ما که موقتاً در متن مشترک کنار گذاشته شده بود در متن پایانی آورده شد." ابعاد زیست‌محیطی، فمینیستی و ضد نژادپرستی مبارزات کمونیستی تقویت شد. با این وجود، این بازنگری‌ها برای امضاکنندگان متنی دیگر که ۱۲ درصد آرا اعضای حزب را در ماه اکتبر به‌دست آورده بود قانع‌کننده نبودند. "الزا فسیون"، نماینده پارلمان، و "فردریک ژنو"، مورخ، در رهبری آینده شرکت نمی‌کنند. آنان چنین توضیح می‌دادند: "ما این تغییر روند استراتژیک مصوبه کنگره را درک می‌کنیم اما با آن موافق نیستیم... تأکید بر هویت، بازگشت به یک سیاست اتحاد چپ و ائتلاف‌های گوناگون را مخفی نمی‌کند." در بین مدافعان متن "مانیفست" برخی میانه‌روی را انتخاب کرده‌اند. "هروه پولی"، از زمرهٔ اینان، می‌گوید: "در یک صورت‌بندی بی‌سابقه، مسئله پیچیده است، اما درنهایت مثبت است." هروه پولی، دبیر فدراسیون پادوکاله- استانی که در آن نزدیک به ۸۷ درصدِ اعضای حزب به متن "مانیفست" رأی داده‌اند- ترجیح می‌دهد بر "دینامیک برای جهت‌گیری مجدد حزب" تأکید کند. "دومینیگ نگری"، سخنگوی مدافعان چهارمین متن پیشنهادی برای کنگره که ۸ درصدِ آرای اعضای حزب را در مهرماه [اکتبر] به‌دست آورد، مخالفتش با متن نهایی مصوب در کنگره به‌این دلیل بود که کنگره حزب کمونیست فرانسه به خروج از اتحادیه اروپا تصمیم نگرفت.

رهبران حزب سخن می‌گویند:

پیر لوران، دبیر ملی حزب، که در این کنگره مسئولیت دیگری را قبول کرد، در سخنانی، بیشتر بر پویایی روند برگزاری کنگره و ارائهٔ نظرات در کنگره توجه نشان داد. او به نگرانی اعضای حزب کمونیست نسبت به "از بین رفتن وحدت درونی" حزب در جریان شکل‌گیری نظریات و روند انتخاب متن پایه و تکمیل آن اشاره کرد. او یادآور شد که، با حفظ وحدت روند بحث‌ها ادامه پیدا کرد و درنهایت "زمان آن رسید که در این کنگره نظرات را جمع‌بندی کرده و جهت مراحل گوناگون را به‌وضوح مشخص کنیم. یک سال در کادر اساسنامه حزبی در مورد پیشرفت‌های اجتماعی، تکنولوژی‌های دیجیتال، محیط زیست، فرهنگ کاری شدید و پربار انجام گرفت که گاهی این فعالیت‌ها دست‌کم گرفته می‌شد. در اوایل ماه اکتبر اعضای حزب با پیامی روشن، برای تغییرهای لازم به‌منظور استحکام و دفاع بهتر از حزب کمونیست، به متن 'مانیفست' به‌منزله پایهٔ مشترک سند نهایی رأی دادند. در هفته‌های اخیر به‌شدت روی متن 'مانیفست' کار کردیم تا آن را عمیقاً غنی سازیم و آن نسخه جدیدی است که در اختیار شرکت‌کنندگان کنگره قرار گرفت. .... همه‌چیز در مجموعه‌ای منسجم گردآمده که همه در بحث‌های کنگره در مورد آن قضاوت خواهند کرد. من به‌نوبه خود می‌خواهم به کمونیست‌ها، رهبران حزب که همیشه با روحیه وحدت و مسئولیت در بحث‌های کنگره شرکت کردند درود بفرستم. این برای آینده ضروری است."

فابین روسل، دبیر ملی منتخب کنگره سی‌وهشتم حزب کمونیست فرانسه، در سخنانش در ارتباط با جمع‌بندی کنگره چنین گفت: "روند ما در سیاست‌ورزی اتحاد و همگرایی، با احترام به عقاید دیگران در حزبمان است. آیا دیگران می‌توانند چنین ادعائی کنند؟ بنا بر این مبارزه ما باید ادامه یابد. بگذارید امید به جناح چپ را بازگردانیم، گسترده‌ترین اتحاد چپ را بنیان نهیم، زیرا این تنها راه است و هیچ نیرویی به‌تنهایی نمی‌تواند پیروز شود. باید ادامه دهیم با حزب کمونیستی پرتوان‌تر، تأثیرگذارتر و مبارزتر و نشان دهیم که در کشور ما نیروی سیاسی اصیل، صادق، مبارز و آزاداندیشی وجود دارد که آرمان‌های صلح، همبستگی را در تمام مبارزاتش به‌کار می‌گیرد. بیایید با آغوش باز با تمام کسانی که خروج از سرمایه‌داری و برپایی دنیایی نو، آزادشده از امور مالی (فاینانس) خواهان‌اند همکاری کنیم. با کارگران با معلمان با دهقانان با مغازه‌داران، با پرستاران، با همه کسانی که آماده‌اند در این مبارزات شرکت کنند تماس بگیریم. چشم‌انداز امید را در کشورمان با شعار 'انسان قبل از هرچیز' بگشاییم! زنده‌باد حزب کمونیست فرانسه، زنده‌باد جمهوری، زنده‌باد فرانسه."

لیدیا ثمربخش، عضو شورای اجرایی و مسئول روابط بین‌المللی حزب کمونیست فرانسه، در توضیح محتوای "مانیفست" مصوب در کنگره، اظهار داشت: "کمونیست‌ها فراتر از هرچیزی ایجاد قرن بشریت، قرن کمونیسم، بر پایه دمکراسی کامل و جهت‌گیری انقلابی باهدف خروج از جامعهٔ طبقاتی و نیز چالش زیست‌محیطی تا رسیدن به‌هدف و برقراری صلح و پیشرفت فردی انسان در تمام ابعاد را خواهان‌اند."

حزب کمونیست فرانسه روی اتحاد فعال مردمی حساب می‌کند.

با انتخابات پارلمان اروپا در ماه مه ۲۰۱۹/اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، کار عملی شروع می‌شود: کمونیست‌ها پس از بحثی جدی در کنگره، درعین‌حال که "یان بروسا (معاون شهرداری پاریس از حزب کمونیست فرانسه) به‌مقام سر لیست همگرایی بزرگ پیشنهاد شد"، تصمیم گرفتند به همکاری با چپ ادامه دهند. "پاسکال شرکی"- از "ژنرسیون اس،حزب بنوا آمون، نامزد حزب سوسیالیست در انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری" که در کنگره حضور یافته بود- اوضاع را چنین تشریح کرد: "در مورد این مسائل پارامترهای زیادی را باید در نظر گرفت، ازجمله کارایی انتخاباتی که بعداً مطرح می‌شود. ابتدا باید در مورد مسائل مهم بحث کنیم." تأکید بر همبستگی و همگرایی زمانی که نمایندگان اتحادیه‌های کارگری وارد سالن کنگره شدند و از مبارزاتشان گفتند به اوج خود رسید و با دست زدن‌هایی ممتد که فضای سالن را تحت‌الشعاع قرار داده بود، عزم راسخ نمایندگان کنگره به اتحاد با چپ را نشان داد. همین‌طور پس از سخنرانی "کامی لنه"، دبیر جنبش جوانان کمونیست، همگی به‌پا خواستند و نوای سرود جنبش جوانان را سردادند. فابین روسل، در سخنرانی پایانی کنگره، تأکید کرد: "جای ما در کنار کارکنان آرجو، هیدرو، آسکووال... است جای ما در کنار خانوارهایی است که مسکن مناسب ندارند، در کنار پناهجویان است" و سخنانش را چنین به‌پایان برد: "به تعهدات مبارزاتی‌مان و به مبارزاتمان افتخار کنیم."

فابین روسل در نخستین حضورش در پارلمان پس از انتخاب شدن به‌مقام دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه، به‌منظور نشان دادن همبستگی با زحمتکشان، اعاده نرخ مالیات بر ثروت بیشتر را خواستار شد. این نرخ مالیات که در اول ژانویه ۲۰۱۶ به‌وسیلهٔ ماکرون حذف شد، به افرادی که بیش از یک ملیون و ۳۰۰ هزار یورو در سال درآمد داشتند تعلق می‌گرفت (پرداخت این مالیات شامل حال ۳۵۸ هزار نفری می‌شد که ثروتشان بر ۱۰۲۸ میلیارد یورو بالغ می‌شود). فابین روسل همچنین خواستار افزایش ۲۰۰ یورو به حداقل دستمزد شد و در مورد مالیات‌ها دولت را مخاطب قرار داد و با انتقاد از تصمیم آن به ادامه اخذ مالیات بر سوخت گفت: "قشرهای کم‌درآمد مدام مالیات می‌دهند و ثروتمندان از مالیات معاف می‌شوند، مالیات ثروتمندان را حذف کرده و ۳/۵ میلیارد یورو در سال به آنان دستخوش می‌دهید. چه وقت می‌خواهید عدالت در پرداخت مالیات را اجرا کنید؟" او به‌وسیلهٔ کف‌زدن‌های ممتد گروه کمونیست‌ها، فرانسه نافرمان (حزب آقای ملانشون نامزد ریاست‌جمهوری از سوی چپ در انتخابات ۲۰۱۶) و سوسیالیست‌ها مورد تشویق قرار گرفت. ادوار فیلیپ، نخست‌وزیر فرانسه، در این ارتباط چنین واکنش نشان داد: "حتماً توجه کرده‌اید که من عضو حرب کمونیست فرانسه نیستم، ولی از آنچه این حزب به تاریخ فرانسه و استانی که من از آنجا انتخاب شده‌ام ارائه کرده آگاهم. بنا براین به شما ادای احترام می‌کنم." ادوار فلیپ شهردار شهر لوآور در منطقه نورماندی بود که از این استان در انتخابات اخیر سه نماینده کمونیست برای پارلمان فرانسه انتخاب شده‌اند. او در پایان سخنانش- بدون آنکه به بی‌عدالتی‌های مالیاتی پاسخی بدهد- گفت که قدرت خرید مردم در سال آینده افزایش می‌یابد.

جنبش اجتماعی پرتوانی در فرانسه جریان دارد. پاسخ دولت به این جنبش پاسخی امنیتی است و از سوی دگر تحقیر خواسته‌های مردم است، ازجمله: کاهش قدرت خرید مردم و انعطاف‌ناپذیری دولت در این ارتباط، حتی به‌بهای سرعت بخشیدن به وخامت اوضاع. به‌گفته جنبش جلیقه زردها، تمام نمایندگان مجلس، پنجشنبه ۸ آذرماه/ ۲۹ نوامبر، اعتراضیه‌ای دربر دارندهٔ نظرخواهی ۳۰ هزار نفر دربارهٔ قدرت خرید، اشتغال، مالیات و همچنین حقوق بازنشستگی دریافت کردند که تا کنون بی‌جواب مانده است. خواست آنان ازجمله عبارتند از: حداقل حقوق ۱۳۰۰ یورو و حداکثر حقوق ۱۵۰۰۰ یورو، تنظیم قیمت مناسب برای گاز و برق، حق بازنشستگی بالای ۱۲۰۰ یورو و بر پایه شاخص تورم، بازنشستگی در سن ۶۰ سالگی (۵۵ سالگی برای کارهای سخت) و مالیات بر شرکت‌های چند ملیتی. فابین روسل، دبیر ملی جدید حزب کمونیست فرانسه، خواسته‌های مندرج در اعتراضیه جلیقه زردها را (که مفاد آن به مفاد برنامه جبهه چپ بسیار نزدیک است) همراه نامه‌ای برای رئیس‌جمهور ماکرون فرستاد و در آن اثبات می‌کند که جنبش جلیقه زردها جنبشی فراتر از مخالفان بستن مالیات بر سوخت است که آنان خواهان "حذف" آن‌اند. جلیقه زردها "یک سیستم واحد بیمه اجتماعی برای همه" را خواهان‌اند.

کنگرهٔ وحدت حزب کمونیست فرانسه در مبارزه با نولیبرالیسم

سی‌وهشتمین کنگرهٔ حزب کمونیست فرانسه در روزهای دوم تا چهارم آذرماه ۹۷ (۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸) در شهر ایوْری، نزدیک پاریس، و در فضائی پرشور برگزار شد. بسیاری از کمونیست‌های فرانسه موفقیت این کنگرهٔ فوق‌العاده را برای ادامهٔ حیات حزب و دامنهٔ تأثیرگذاری آن ضروری می‌دانستند. دستورکار اصلی این کنگره بررسی برخی جنبه‌های مهم برنامهٔ حزب کمونیست پرقدرت فرانسه در پیش‌بُرد استراتژی مبارزه‌اش در مسیر بقدرت رساندن نیروهای چپ در کشور و رویارویی با نولیبرالیسم حاکم و همچنین مبارزه با راست افراطی بود. زمینهٔ بحث و گفت‌وگوهایی که دربارهٔ مسئله‌های کلیدی رویاروی چپ فرانسه در این کنگره جریان یافت، از ماه‌ها قبل، جهت‌گیری‌ها پیرامون آن‌ها در درون ساختارهای حزب کمونیست فرانسه تکمیل شد و به‌راه‌هایی دموکراتیک و بر پایهٔ اساسنامه به‌منظور ارائه به کنگره آماده شد. از لحاظ استراتژی، پس از شکست "جبهه چپ" و احساس تحقیر از سوی "ژان لوک ملانشون" (کاندیدای مشترک چپ در انتخابات گذشته ریاست جمهوری)، اکنون، پس از کنگره فوق‌العادهٔ سی‌وهشتم، حزب کمونیست فرانسه بر "اتحاد مردمی فعال" بر پایهٔ "جبهه مبارزات بخش‌های گوناگون جامعه برای پیشبرد اهداف مشخص در تحولات اجتماعی، زیست‌محیطی و دمکراتیک" حساب می‌کند. "فابین روسل"، دبیر ملی جدید حزب منتخب کنگره سی‌وهشتم، در آخر هفته گذشته پیامی خطاب به نیروهای چپ فرستاد تا در اتحاد با کمونیست‌ها، رئیس‌جمهور ماکرون را به "افزایش دستمزد" و پاسخ‌گو بودن در قبال خشم مردم و "جلیقه زرد"ها در مورد گرانی‌ها وادار کنند. او تصریح کرد که ائتلاف چپ در انتخابات "بدون متحدِ ممتاز از قبل پیش‌بینی‌شده"، حتی اگر حزب کمونیست فرانسه تصمیم بگیرد "در تمام انتخابات با نامزدهای خودش حضور داشته باشد"، نیز کنار گذاشته نشده است. تصمیم به‌برگزاری این کنگره استثنائی به‌دنبال انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری و پارلمان فرانسه و انتخاب امانوئل مکرون به‌ریاست جمهوری گرفته شد. هدف کنگره تصمیم به تأکید بر هویت کمونیستی حزب از یک سو و پرتوان کردن آن از طریق همگرایی و وحدت درون حزبی و ارائه برنامه‌ای متناسب با دشواری‌های شرایط پیچیده و بحرانی کنونی کشور از دیگر سو بود.

رفیق "لیدیا ثمربخش"، مسئول روابط بین‌المللی حزب کمونیست فرانسه، این شرایط را چنین توضیح می‌دهد: "شرایط به‌شدت بحرانی است، بسیار جدی است، مردم در سراسر جهان به‌دلیل تبعات بحران سیستماتیک سرمایه‌داری، به‌دلیل تشدید استثمار و نداشتن تأمین کار و دستبرد زده شدن به دستمزدها، دچار رنج و محرومیت‌اند. تهاجم و تازش جدید نیروهای امپریالیستی، تنش‌ها را گسترش داده و خطر درگیری‌های مسلحانه در جهان را افزایش می‌دهد. بنا بر این، ضروری است که نیروهای پیشرو، به‌ویژه کمونیست‌ها، برای یافتن راه‌هایی به‌منظور گسست اساسی از این سیستم سرکوبگر و جستجو و یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای مقابله با آن، با یکدیگر همراهی و یاری کنند."

سی‌وهشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه (که نزدیک به ۸۰۰ نماینده در آن شرکت داشتند) با تصویب برنامه راهبردی‌ای تازه، گزینش آرم (لوگوی) مرکزی‌ای جدید، و انتخاب دبیر ملی‌ای جدید، دورهٔ نوئی را در مسیر مبارزه حزب گشود. کنگره با اکثریتی قاطع "مانیفست"ی عمیقاً تجدیدنظر یافته- بر پایه پلاتفرم‌های اصلی ارائه‌شده به کنگره و مورد تائید اکثریت کنگره- را تصویب و رهبری جدید حزب را انتخاب کردند. جمعی تازه با چهره‌هایی نو. فابین روسل، نمایندهٔ حزب کمونیست در پارلمان از شمال فرانسه، به‌جای پیر لوران، به سمت دبیر ملی حزب انتخاب شد. در مورد همگرایی، اگرچه همه تنش‌ها در این سه روز برطرف نشده، اما با وجود این، در پایان نشست کنگره تنها یک لیست از نامزدها برای عضویت در شورای ملی حزب معرفی شد که با ۴۴۲ رأی موافق از مجموع ۵۶۹ رأی‌دهنده، به‌تصویب رسید. از همان ابتدای برگزاری کنگره در روز جمعه ۲ آذرماه، همه در مورد وظیفه اصلی کنگره یک‌صدا بودند. پیر لوران، دبیر ملی حزب، در سخنان خود چنین

گفت: "کره زمین در خطر است، مردم رنج می‌برند، سرمایه‌داران چندملیتی شکم‌های‌شان را پر می‌کنند. گوگل، اپل، فیسبوک و آمازون می‌خواهند بر دنیا حکومت کنند. صلح در خطر است. نژادپرستی، یهودی‌ستیزی، تبعیض و محرومیت از نو گسترش می‌یابند." پیر لوران بر آن است که حزبش "راه بدیلی در مقابله با سیاست‌های ماکرون بگشاید که راه ترس، جنگ اجتماعی و تفرقه نباشد، راهی دیگر متشکل از روابط انسانی، اجتماعی و دموکراتیک باشد." او در آخرین کنگره‌ای که با مقام دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه در آن شرکت کرد، در مقام نمایندهٔ مجلس سنای فرانسه از شهر پاریس که قرار است رئیس شورای ملی حزب کمونیست فرانسه باشد، با کف‌زدن‌های ممتد نمایندگان کنگره حزب مورد ستایش و تقدیر قرار گرفت. پیر لوران در اوایل هفتهٔ پیش از برگزاری کنگره به‌منظور خروج از بحران دو کاندیدا برای پست دبیر ملی حزب پیشنهاد کرد. او در روز نخست کار کنگره با لحنی پراحساس برای اتحاد پیامی تازه می‌دهد: "گفت‌وگو بین ما بحث جنگ برای ریاست نیست، منافع جمعی ما را متحد می‌کند، زیرا ما عضو حزب فروتنانی هستیم که می‌دانند از تفرقه هیچ نفعی نمی‌برند."

فابین روسل، دبیر ملی جدید حزب، پس از انتخابش به‌این سمت در ارتباط با تظاهرات اعتراضی گسترده زحمتکشان در کشور ازجمله گفت: "مردم حق دارند صدایشان را بلند کنند. فرانسه امکانات زیادی دارد ولی عده‌ای معدود از آن بهره می‌برند..." و در ادامه اعلام کرد: "به‌زودی یک همه‌پرسی علیه سهمی که سرمایه‌داری برای خود در روند تولید قائل است و در دفاع از افزایش قدرت خرید زحمتکشان برگزار می‌شود." روز دوم کار کنگره- شنبه ۳ آذرماه/ ۲۴ نوامبر- تمامی نمایندگان حاضر در سالن کنگره برای تصویب بیانیه علیه گرانی و مبارزه برای حفظ محیط زیست به‌پا خاستند. بخشی از متن این بیانیه چنین است: "از اول ژانویه ۲۰۱۹ باید حقوق و دستمزدهای کارگران بخش‌های دولتی و خصوصی افزایش یابد. بر حداقل دستمزد باید ۲۰۰ یورو اضافه شود." طی چندماه تدارک کنگره در شرایطی بی‌سابقه و گاه فضائی تنش‌زا، کلیه اعضای حزب در یک همه‌پرسی درون حزبی از بین متن پیشنهادی شورای رهبری حزب و ۳ متن پیشنهادی دیگر، به متن ارائه شده با عنوان: "مانیفست حزب کمونیست قرن بیست‌ویکم"، به‌منزلهٔ متن مشترک برای طرح در کنگره و بحث دربارهٔ آن، رأی دادند (چهار متن پیشنهادی به‌ترتیب عبارت بودند از: "مانیفست..." ۴۲ درصد، "متن شورای ملی حزب" ۳۸ درصد، و دو متن دیگر ۱۲ درصد و ۶ درصد رأی آوردند). در حقیقت کنگره در فضائی بدون تنش کارش را به‌پایان رساند. متن مشترک که درنهایت عمیقاً بازنگری و

ادامه در صفحه ۱۵

10 December 2018

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

Nameh Mardom No. 1066
Central Organ of the Tudeh Party of Iran